

حق تعیین سرنوشت
حق مسلمین خلفا

یگاردستان



شبه ۰۱ / ۴ / ۷۷ سازمان یگارد در راه آزادی طبقه کارگر - کمیته کردستان قیمت ۲۰ ریال

Iranische Bibliothek

● اوضاع جامعه ●

و خطوط کلی تحلیل ما از موقعیت و حرکت رژیم در کردستان جامعه ما همچنان آبیستن حوادث و وقایع نوین و پیشبینی نشده است. بعد از بیش از یک سال که از قیام ۲۲ بهمن و

سیر مقاله

ضرورت انتشار یگارد کردستان و سخنی با هواداران

با یورش همه جانبه و سازمان یافته رژیم ضد خلقی و ارگانهای سرکوبگرش مانند ارتش، سپاه پاسداران، - زانداروری یگاردستان در اوایل بهار امسال، مرحله دیگری از مبارزات مستمر و طولانی خلق کرد در جهت کسب خود مختاری آغاز شد. جنبش حق طلبانه خلق کرد در طی سالیان دراز چه بر علیه رژیم وابسته شاه خائن و چه در دوران رژیم جمهوری اسلامی، فراز و نشیبهای بسیاری را پشت سر گذاشته است. این مبارزات در هر مرحله ای بسته به اوضاع و احوال و شرایط، بقیه در صفحه ۲

◀ تشدید مبارزه طبقاتی در جامعه ▶

حرکت قهقراپی سازمان چریکهای فدایی بسوی رویز یونیسف و انعکاس آن در شاخه کردستان

لنین در مقاله احزاب سیاسی در روسیه میگوید "تقسیم هر جامعه ای به احزاب سیاسی هنگامی با وضوح تمام نمایان می شود که بحرانهای عمیق تمام بقیه در صفحه ۱۶

بیروزی پیشمرگان یگارد در "میره ده"

یگارد دیگر کردستان تهرمان مورد یورش هیئت حاکمه ضد خلقی. تزار گزند و نیروهای سرکوبگر آن بقیه در صفحه ۲۴

یادی از شهیدان

در صفحه ۳۵

مبارزه دهقانان سیلپیهمان گندی

جلوهای از یگارد طبقاتی در روستاهای کردستان
باتیام تود معاد بهمن ماه ۷۵ رژیم شاهخائن سرنوگون شد. روستائیان کردستان همراهمایر زحمتکشان ایران فکر میکردند که بعد از این بیروزی بقیه در صفحه ۳۱

لوحة افتخار شهیدان

سازمان یگارد در راه آزادی طبقه کارگر (در کردستان)

- ☆ عبدالکریم شربی شهادت ۶ اردیبهشت ☆ حسن (امیر) فقیر شهادت ۱۷ خرداد
- ☆ نجم الدین شیخی شهادت ۱۶ اردیبهشت ☆ مسعود ستایش شهادت ۱۷ خرداد
- ☆ لیلی مرادی شهادت اواسط خرداد ☆ عطاء طاطاشی شهادت ۲۵ خرداد

پرقرار باد خود مختاری خلفا در چهار جوب ایرانی مستقل و دمکراتیک

شماره ۱	صفحه ۲
<p>اما ویژگی مرحله نعلی و در نتیجه حساس بودن این مرحله در اینست که بطور مشخص، دو خط، دو جریان در نیروهای شرکت کننده در جنبش دیده می شود و <u>خط یا جریان مقاومت و خط یا جریان سازش</u></p> <p>از قیام بهمن ماه به بعد در جریان پیشرفت جنبش مقاومت کارگران شهر و روستا دهقانان فقیر و اقشار باثبات خرده بوزروازی شهری که در مراحل اولیه این جنبش درک و تصویری کلی و مبهم از امر خود مختاری داشتند بتدریج در جریان مبارزات روزبرویشان به آگاهیشان افزوده گشته و قادر می شوند که بین خواستهای خود و دیگر اقشار و طبقات تفاوت قائل بشوند و بطور نسبی به این آگاهی برسند که درک آنها از خود مختاری با درک اقشار و طبقات ناپیگیر، متزلزل و سازشکار متفاوت است، لذا در بین نیروهای جنبش مقاومت از آن نیرویی حمایت می کنند و آن نیروی را مورد تأیید قرار می دهند که سیاست، برنامه و تاکتیکهای مطابق خواستهای آنها با تسنن، تقابلاقتشار و طبقات متزلزل، ناپیگیر و سازشکار بتدریج به علت ماهیت طبقاتیشان در جریان این گیری جنبش ماهیت سازشکارانشان را بیش از پیش آشکار می سازند همچنین در جریان این گیری، اعتلا مبارزات طبقاتی در کل جامعه ایران و عملکردهای رژیم ارتجاعی حاکم در مقابل این مبارزات در برابر ایران زحمتکش کرد با این آگاهی می رسند که این رژیم دشمن زحمتکشان است، در حالیکه سازشکاران به ترس و هراس از این جنبش تودماری می افتند و در اینجاست که بدلیل مجموعه این عوامل در این مرحله، جریان نطفندی نیروها در جنبش مقاومت خلق کرد شکل آنتنار و منبختتری به خود می گیرد، در یکطرف تصمم به مقاومت و در طرف دیگر تصمم به سازش*</p> <p>خط مقاومت معتقد است که این رژیم تن به آتش بسوزد اگر نخواهد داد مگر اینکه قدرت مبارزات تودماری و نیروی پیشروگه</p>	<p>سرفشاله ...</p> <p>اشکال ویژه ای بخسود گرفته است گاه در شهرها به شکل اعتصاب و تظاهرات ویا جنبش مقاومت بود و گاه در روستاها به شکل پارتیزانی تجلسی یافته است اما آنچه که در تمامی این مراحل بطور مشخص به چشم می خورد، تداوم این مبارزات و اج یا بندگی آن می باشد. بخصوص ماههای قبل از قیام خونین ۲۲ بهمن ماه سال ۵۷، و بعد از حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی، جنبش مقاومت خلق کرد از شکوفائی ویرمای برخوردار گردیده است. در طی این مدت خلق کرد با کسب آگاهی نسبی از ماهیت ضد خلقی هیئت حاکمه، بقدرت پیشمرگه هایش این نیروهای مسلح خلقی - توانست است به بهای شهادی بسیاره دید - ربهما و ویرانیهای فراوان راه خود را در مبارزه اش ادامه دهد. امروزه آن وظیفه محوری و عمد مایک در پیش پای نیروهای کمونیستی جنبش مقاومت خلق کرد قرار داده ادامه این راه، تعمیق و گسترش هر چه بیشتر این جنبش و پیوند زدن آن با جنبش سراسری کارگران، دهقانان و دیگر خلقهای تهران ایران و تأمین رهبری طبقه کارگر بر این جنبش است. این مهم، از طریق شناخت هر چه بیشتر ویژگی اصلی جنبش در هر مرحله و پاسخگویی انقلابی به آنست. اصولاً یکی از ویژگیهای مهم و سالب توجه جنبش مقاومت خلق کرد در بعد از قیام اینست که اقتشار و طبقات شرکت کنند در آن، هر کدام بسه تناسب ماهیت طبقاتی شان و ماهیت تضادشان با رژیم حاکم مابازای در نیروهای جنبش را دارا می باشند. باین معنی که نیروهای جنبش طبقی را تشکیل می دهند که هر کدام نمایند سیاستی - ایدئولوژیک، اقتشار و طبقات گوناگون می باشند. در مرحله یورش سال قبل رژیم بسه کردستان و این نیروها همگی در برابر این تهاجم به جنگ مقاومت دست زدند و لذا توانستند رژیم را وادار به شکست و عقب نشینی و مذاکره نمایند.</p> <p>* در این نوشته ما قصد انرا نداریم این مسئله را بررسی کنیم که چرا بعضی از این نیروها طریقم ماهیت سازشکارانه اشان فعالانه در جنبش مقاومت شرکت کردند.</p>

همانگونه که تجارب تاریخی مبارزات خلق کرد نشان داده است - بعد از شکستهای نظامی و سیاسی مجبور به اینکار گردید ، در مقابل خط سازش بدون توجه به این تجارب که دست آورد و خونهای شهیدای - بسیاری می باشد ، مطیع می سازد که بایستی با این رژیم که "ضد امپریالیست" است آشتی نمود ، بدون اینکه قید و شرطی در کار باشد .

خط مقاومت اعتقاد دارد که مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه طبقاتی جاری در جامعه جدا نبوده و مبارزه بر علیه امپریالیسم و پیروژه امپریالیسم آمریکا از مبارزه بر علیه ارتجاع داخلی جدا نمی باشد . در مقابل خط سازش آب نظیر بر سر رژیم فعلی ریخته و صرفاً "وحدت عمل ملی" را در مقابل امپریالیسم آمریکا طرح می کند و با این تر در حقیقت آشتی و سازش طبقاتی را تبلیغ می کند .

خط مقاومت با اتکا به نیروی بی زوال توده های حزمت کس خلق کرد ، می خواهد صلی را به رژیم تحمیل کند که مطابق خواست توده ها باشد . اما خط سازش به تبعیت از تبلیغات و لجن پراکنیهای رژیم و حزب توده خائن ، نیروهای انقلابی را وابسته به بیگانه معرفی کرده و با قرار دادن این نیروها در کنار عوامل سر - سیرده رژیم شاه خائن و حکومت فاشیستی و ضد خلقی بعث عراق ، علامتزد بین انقلابی و ضد انقلابی را از بین برده و می خواهد از این طریق صلی را بوجود بیاورد که مطابق خواست رژیم و خودشان باشد . اینهاست بطور برجسته خصوصیات دو خط مقاومت و سازش .

امروزه آنچه که خطر عمده در جنبش مقاومت خلق کرد میباشد ، همین سمت گیری سوچ و آشکار نیروهای سا - ژشکار بسمت سازش و جمالیسم الحاح قرار دادن جانبا - زنها و فدائوگانیهای خلق کرد است . لذا تقویت هر چه بیشتر خط مقاومت از طریق پیوند گسترده تر با توده مط پویزه زحمتمکشان شهر و روستا ، و افشاء و متفرد نمودن

خط سازش با انشای تزلزلات و سازشکاریهای آن ، اینست آن وظیفه محوری که امروز در برابر نیروهای راستین جنبش مقاومت خلق کرد قرار دارد .

امروزه ما یاد رک ضرورت فوق و درک این ضرورت که بایستی نقطه نظرانمان را به شکل مدون و سازمان یافته ای در سطح جنبش مقاومت خلق کرد بطور وسیع تبلیغ و ترویج نماییم ، دست به انتشار این نشریه زدیم و در اینجا بطور مشخص روی سخنان با هواداران سازمان است که در گوشه و کنار کردستان - در شهر و روستا - در پیوند مبارزاتی با خلق کرد می باشند . رفقای هوادار در این مرحله وظیفه دارند که دو خط موجود در جنبش مقاومت خلق کرد را برای توده ها توضیح دهند ، و فعلا نه نظرانی را که در این نشریه یاد دیگر انتشارات سازمانی ، در این زمینه منتشر می گردد بیان توده ها بر نه و آنها را در جهت مقاومت هر چه بیشتر متشکل نموده و سازماندهی نمایند .



اوضاع جامعه

همچنان ادامه داشته و در مواردی تشدید نیز شده است . سیستم سرمایه داری وابسته که علیرغم تغییر نظام سیاسی جامعه همچنان باقی است ، آنچنان دچار بحران و آشفتگی است که وارث آن یعنی هیئت حاکمه جمهوری اسلامی را علیرغم همه کوششهای بسری مهار کردن آن ، هر چه بیشتر با خود بسوی ورطه تلاشی و نابودی می کشاند . رژیم که در دوران - رژیم شاه ۲۵ تا ۳۰ درصد بود اکنون به میزان - وحشتناک ۵۰ درصد رسیده است . تبلور این رژیم و بحران شدید اقتصادی را در گرانی بیش از اند - از و کمبود یا نایابی بسیاری از اقلام مصرفی ضروری مردم و ناتوانی رژیم در مانع از رشد نرخ آنها - مراجعه کنید به "تذکر" در آخر همین مقاله!

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

من توان مشاهده نمود - انعکاس این وضعیت در میان توده مردم و بویژه زحمتگشان چیزی جز تشدید ناراضی آنها و گسترش حرکات اعتراضی و مطالبات آنها نیست این حرکات اعتراضی و مطالبات هر چند از همان فردای قیام وجود داشت، لیکن تشدید بحران و در نتیجه حدت تضاد، بقدری است که هر آن امکان انفجارهای کوچک و بزرگ - اعتراض در میان زحمتگشان که بار اصلی بحران و توم را به دوش می کشند وجود دارد - رژیم جمهوری اسلامی همانطور که تا کنون شاهد بودیم، و بنا بر ماهیت بورژوازی خویش نشین قادر نیست زمینهها و علل این بحران و در نتیجه خود بحران را از بین ببرد، بلکه حتی قادر به تخفیف آنها نیست (۱) .

در این اوضاع هیئت حاکمه به دلیل ماهیت بورژوازی خویش اجبارا راهی جز حفظ سیستم سرمایه داری و بسته ندارد - بعبارت دیگر بورژوازی و خرده بورژوازی (۲) از حل تضاد فو قما جز بوده و این تضاد به جای خویش باقی می ماند .

اما مسئله به اینجا ختم نمی شود، رژیم حاکم توان و موقعیت تخفیف در حله ای و مقطعی این تضاد را نیز ندارد، علل این عدم توان را با - یستی در عدم داشتن هر گونه برنامه مشخص رفرفرمیستی، گسترش و سطح بالای جنبش توده ای و مطالبات آنها، عدم پشتوانه لازم از سوی امپریالیستها (۳) و بالاخره شدت وحدت بحران که رژیم با آن روبرو است جستجو نمود .

بعلاوه تضاد های درونی هیئت حاکمه و حرج کتجنجا حبا ی آن که امکان وحدت عمل کامل و حرکت مستمر کرا از رژیم سلب میکند، خود عاملی است در تشدید بحران و در مواردی نامزدن بیشتر به آن - نمونه این فاکتور اخیرا میتوان اشغال سفارت آمریکا دانست - حرکتی که در

عین در برداشتن نتایج مثبت برای هیئت حاکمه در کوتاه مدت (تشدید توم توده ها و تساهدودی ممانعت از شکسته شدن آن) نتایج ناگوار و منفی بسیاری در تثبیت موقعیت رژیم جمهوری اسلامی در متوسط و دراز مدت باقی میگذارد - بدون اینکه بخوابیم وارد بحث مفصل این نکته شویم، فقط یادآور میشویم که امروزه محاصره محدود اقتصادی از طرفه امپریالیستها و فشارهای دیگری که آنها بر رژیم وارد می کنند، اثر مستقیم و تشدید کننده در بحران سیاسی - اقتصادی رژیم با آن روبروست دارند - زیرا سیستم وابسته اقتصادی جامعه در شرایط قطع یا بوجود آمدن اشکال در منابع تغذیه خویش بدون اینکه تکیه گاه مستقل یا مستحکم دیگری پیدا کند دچار تلامط و وقفه های شدیدی و نابود کننده ای میگردد -

در این اوضاع رژیم با حرکت گسترش یا بند و سریع مبارزاتی توده ها و رشد آنها آنها روبروست - این حرکت که نتیجه بلا فصل شکسته شدن توم توده ها نسبت به رژیم در نتیجه تجربه مستقیم خود آنها و روبروشدنشان با حقایق و افشاگری های نیروهای انقلابی است، خود بر زمینه مادی بحران سیاسی اقتصادی فوق قرار دارد - در مقابل این حرکت رژیم ناتوان از حل بحران و جوابگویی به خواسته های توده ها - جاچاره ای جز مرکوب حرکت آنها ندارد - البته او میگزیند به وسیله مختلف و با مشغول داشتن ذهن توده های مسائل غیرواقعی و انحرافی توسط برنامه های تبلیغاتی گوناگون و با وعده های توخالی، توم توده ها را نسبت به خود حفظ کند - لیکن تجربه روزمره خود توده ها و همچنین نقش آگاهی دهنده نیروهای انقلابی بویژه کمونیستها فاکتورهای هستند که سرعت حرکات توم زای رژیم را خنثی

رژیم جمهوری اسلامی در روند تکمیل ارگانهای قانونی و تثبیت موقعیت خویش که همراه و موازی با سرکوب نهادهای انقلابی و توده ای و یا ز - سازی ارگانهای سرکوب گرو ارتجاعی پیشرفته و میروند (یا بایستی بروند) نمی توانست کردستان انقلابی را تحمل کند، بویژه اینکه کردستان بصورت عمده ترین و پیشرفته ترین پایه نگاه نیروهای چپ و اصولا انقلاب همچنان یا برجها مانده است. اینست که سرکوب جنبش مقاومت در کردستان به عمده ترین مسئله - مرکزی رژیم تبدیل گردیده است.

موقعیت هیئت حاکمه

جنبش مقاومت خلق کرد

رژیم جمهوری اسلامی تا کنون توانسته است تشکلات توده ای انقلابی و مبارز در نقاطی که این تشکلات بعد از قیام یا گرفته بودند (شوزستان، ترکمن صحرا) درهم شکسته یا ضریب آنها مهی بر آنها وارد سازد، در نظر هر آنها را خاموش کند و به اصطلاح خیال خود را بطور نسبی از آنها راحت سازد. تنها جایی که بصورت خاری در چشم هیئت حاکمه فرو میروند و او را شاد بیدار می آزارد، جنبش مقاومت خلق کرد و عدم توان رژیم در برقراری - حاکمیت نسبی خود در کردستان است. به همین دلیل در آستانه تشکیل مجلس شورای و در نتیجه کامل شدن ارگانهای قانونی رژیم جمهوری اسلامی، هیئت حاکمه با استفاده از جریانات بوجر آمده میان ایران و عراق (که با هدف تعیین خود به آن دامنه میزند) و دخالت نظامی آمریکایی در ایران برای نجات کرک و گانها و دادن زندان یک کارزار تبلیغاتی در راه طبعا این درگیری و از این طریق منحرف کردن ذهن توده ها و توجیه اعمال خویش در میان آنها، برنامه سرکوب کردستان

کرده و آنرا جمهوری به استفاده از ابزار سرکوب مستقیم می سازد. از آنجایی که حرکت آگاس - هکرانه نیروهای انقلابی نه تنها نقش تاخیر کننده تجربه مستقیم توده ها در ذهن آنها، بلکه نقش زمینه ساز و مستقیم توهم زدایی آنها را بازی میکند، رژیم برای حفظ توهم توده ها و در نتیجه حفظ موقعیت خویش، خود را قبل از همه مواجه با نیروهای آگاه و انقلابی و پیشروترین و سازش ناپذیرترین آنها یعنی گونیستهای بینه شدت - یا بی تبلیغات و حرکات ارتجاعی علیه نیروهای انقلابی و بویژه گونیستهای ارگانهای تبلیغاتی و سخنرانی های سردمداران رژیم بیان روشن این امر است. امروز رژیم از هر وسیله و موقعیتی استفاده میکند تا نیروهای انقلابی و گونیست را مورد حمله قرار دهد و آنها را در چشم توده ها از اعتبار بیاندازد.

در چنین موقعیتی و با توجه به تمام مسائل مطروحه درسطح فوق، رژیم نمی توانست در کردستان شانه ها غیبت حاکمیت خویش و از آن با - لا تر رشد روز افزون نیروهای گونیست باشد. این اوضاع در کردستان، نه تنها باعث ارتقاء آگاهی و تشکل توده های وسیع مردم گرد و تشخیص دشمنان واقعی شان توسط آنها و در نتیجه جهت گیری بیش از پیش درست مبارزات آنها میگردد، بلکه کردستان بصورت سنگر مستحکم و دستاوری برای نیروهای انقلابی چپ، عمیل و نمونه برجسته مبارزه واقعی توده ها در جهت پسر آوردن خواسته هایشان پیشبینند، انقلاب است که تا تمام پایه های مانده است. وجود چپ - یا نگاه و الگویی برای نیروهای انقلابی و توده های بیدار شونده، خطر عظیمی برای هیئت حاکمه است. محکم در برابر تثبیت رژیم است که رسالت خود را سرکوب انقلاب با و با ساز - سیستم سرمایه داری وابسته قرار داده است.

را که از مدتها پیش در دستور کار خود قرار داده بود و برای آن تدارک میدید به اجرا گذاشت. آنچه مسلم است مواضع جناحهای مختلف هیئت حاکمه از خمینی گرفته تا بنی صدر و فرماندهان مزدور ارتش به روشی آنرا نشان داده و میدهند اینستکه برنامه سرکوب کردستان به اصطلاح یکسره کردن کار آن مورد توافق همه این جناحها قرار گرفته و آنها میگویند در هماهنگی با یکدیگر عمل کنند. این موضع یگانه که بویژه با شروع حمله به سنندج و سقز مشخص گردیده در روزهای اخیر هماهنگی که از صحبت های خمینی در ملاقات با سرهنگ مدبری و آیت الله منتظری در گفتگو با رادیو و همچنین سخنان بنی صدر در تریبیز من آمد کاملاً آشکار و هویداست. خمینی پشت از ارتش و پاندهاران در سرکوب "کار" و کسر افتخار سنندج تمجید می کند و از آنها می خواهد به حرکت خویش در این جهت ادامه دهند و برای تاکید بیشتر خواهان اجرای اصطلاح "بدون قید و شرط" اثر کورانی از طرف سران و رده های پایین میشوند. آیت الله منتظری هرگونه مذاکره را مردود دانسته و اوستا خواهد دانسته تا به آخر سرکوب میشوند. بنی صدر نیز در صحبت با سرهنگ مدبری و در همانجا به رادیو همین مواضع را تکرار میکند. اینست که می بینیم آنچه در حال حاضر در دستور روز رژیم قرار گرفته است برنامه همه جناحهاست و همه جناحها برای آن اتفاق نظر دارند.

اما دیدگاههای رژیم و جناحهای آن در ادامه این حرکت چیست؟

با توجه به نکاتی که در فوق گفتیم و با توجه به انسجام نسبی ارتش و بهتر بودن موقعیت آن نسبت به سال پیش، باید بگوئیم رژیم برنامه حد اقل خود

دشرا تسخیر شهرها و برقراری حاکمیت خویش در آنها را قرار داده است. بعد از تسخیر سنندج برده ناهانش این خواهد بود که قدم به قدم شهرهای مختلف را به تصرف خود درآورد. اما رژیم میدانند که اولاً در کردستان پایگاه مردمی ندارد و ثانیاً در صورت اشغال شهرها هنوز نتوانسته است جتیش مقاومت را سرکوب کند و روستاها پایگاه نیروهای سیاسی و رقیب آنهاست و این بدین معنی است که تسخیر شهرها همچون سال پیش نیست. ندم مسئله را حل کند و او را در شهردار امان نخواهد بود. بنا بر این صرف استقرار در شهرها به "تضییع کردستان" خاتمه نمیدهد. در نتیجه با تجربه سال گذشته رژیم خواهد کوشید اولاً - برای خود دو میان مردم کردستان پایگاه مردمی دست و پا کند یا حد اقل بدین مردم کرد را نسبت بخود از بین برده یا کاهش دهد. بر این مبنا نه انجام رژیم (که در توانش نیست) بلکه خرج میساختن مشکلاتی پول را در کردستان در دستور کار خود قرار داده است. تصویب ۲۰ میلیارد ریال از طرف سازمان برنامه و منابع دیگری در روزهای بعد در همین رابطه است. ثانیاً - برای برقراری حاکمیت خویش در روستاها برنامه سرکوب را به روستائیز خواهند گشاد تا ایشیار به اصطلاح کار را یکسره کند.

در مورد آنچه مربوط به تسخیر شهرها میشود رژیم در یک صورت نخواهد توانست برنامه خویش را بطور کامل به اجرا درآورد. در کردستان و طی چند روز آینده ضربات مهمی بخورد مثلاً پادگان با نه و میوان سقوط کنند و به دنبال آن با مقاومت مهمی در دیگر شهرها رو برو شود. در دیگر نقاط ایران مرجی از جریانات اعتراضی نسبت به اوضاع کردستان (تظاهرات و تحصن های

مرگت بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلق های ایران

توده‌های و اعتراضات جمعی یا انفرادی از تصرف نیروها و شخصیتها و افشارگریهای گذشته، آ و مباد زوات توده‌های برای یافتن و سرکوب و پیشگیری رژیم در کردستان در سطح گسترده در جامعه مطرح گردید و در این میان حرکات اعتراضات و سازماندهی رضایتی‌ها در روزی ارتش در رابطه با سرکوب کردن کشتار خلقی گود نیز از اهمیت خاصی برخوردار است ۳ - در سطح جناح اکثریت نیز در حدود خود این جریان تشریح شد - در غیر این صورت رژیم قادر خواهد بود با توجه به تمرکز قوا و به خدمت گرفتن نیروی عظیم نظامی خویش در کردستان شهرها را به تصرف خود در آورد - البته همینجا باید گفت که با توجه به مضعیم نیروهای جاسپ و و انحرفات و ترلزلات نیروهای انقلابی که تاکنون در عدم انعکاس گسترده مسائل کردستان از طرف آنها به چشم می‌نورید و با در نظر گرفتن اینکه به وجود آوردن سه فاکتور فوق پیشش شامل - حرکت نیروهای آگاه و انقلابی - ندارد - احتمال بروز آمدن آن سه فاکتور در کوتاه مدت بسیار ضعیف و احتمال موفقیت رژیم در تصرف شهرها زیاد است و به احتمال قوی چنین خواهد شد - اما در مورد ادامه برنامه رژیم با توجه به موقعیت نیروهای سیاسی عمده کردستان، با استیصال دیدگاههای جناحهای هیئت حاکمه راد، امن مورد مورد بررسی قراردهیم -

راجع به آنچه به سیاست جناح خرد، بورژوازی هیئت حاکمه مربوط میشود، باید گفت که این جناح به دلیل دمکدمهین و عقب ماندگی فکری از دروندیشی و ترغیبهای بورژوازی برای حفظ سیستم و وضعیت غیر - پیشرویی نبرده و سیاست ارتجاعی کوری در رابطه با مسائل مختلف در دستور کارش قرار دارد - در رابطه با کردستان نیز همواره و امروز بطور مشخص با معین سیاست به میدان آمده است - مسئله آن در هم گس - بیرون و نابودی جنبش مقاومت به هر وسیله بدون

ملاحظات سیاستمداران بورژوازی و بکارگرفتن تاکتیکهای متفاوت در هر شرایط مشخص است و اگر هم مواقعی بعضی حرکات سیاستمداران بورژوازی از خود نشان داده است بیشتر تحت تاثیر مشورت تپسا و توصیه های عناصر بورژوازی بوده است. امروز در مورد کردستان نیز برای آن بکارگرفتن تاکتیک های مختلف در مراحل گوناگون و توجه به اختلاف ماهیت نیروها مختلف در کردستان و اتخاذ تاکتیک های لازم در این ارتباط مطرح نیست و در نظر آن همه این نیروها "شیطانهای کوچک هستند، هیچ فرنی باهم ندارند و باید نابود شوند، براین مبنا فعلا برای این جناح هرگونه مذاکره و مصالحه تاکتیکی حتی با بخش از نیروهای سیاسی کردستان مردود است - همچنین منتظری، خمینی و عناصر دیگری از این جناح مورد این حکم است

لیکن برای بورژوازی نیرال و بطور مشخص بنی صدر مسئله اینطور نیست - این جناح با دور اندیشی بورژوازی خود به افکار عموس "اهمیت میدهند متحد اختلاف میان نیروها هست و معتقد به اتخاذ تاکتیک منطقی با شرایط است و میدانند در میدان جنگ با - یعنی "سیاست" بکار برند - بنوی صدر تاکنون نشان داده است که برای حفظ جمهوری اسلامی و تحکیم موقعیت خویش قصد دارد سیاست "جناح و نشان شیرینی" و متمایز ساختن نیروهای مخالف و راستا - ده از شکاف میان آنها را به اجرا درآورد (۵) البته بنی صدر تاکنون نتوانسته است این سیاست را آنطور که دلخواهش است پیاده سازد، ولی بعضی موفقیتها کوچک (مذاکره چندین باره با رجری و شرکت دادن او در "سمینار انقلاب فرهنگی" - جریان مناظره تلویزیونی با نمایان و اعلام قبول طرح آماد های حزب دمکرات با اصلاحات و کشاندن حزب بدنیال خود او را به اجبرای ایمن سیاست ترغیب نموده است - با این سیاست حرکت بنی صدر در رابطه با اوضاع کردستان با سیاست جناح خرد -

(و در درجه اول جناح چپ آن) در روستاها و به اصطلاح قلع و قمع نهائی آنها .

اما چقدر رژیم در این برنامه خود میتواند با موفقیت روبرو شود . قبل از صحبت در این باره لازم است مختصراً به این مسئله که آیا سازش با حزب دمکرات و قبول خواستههای آن در برنامه رژیم قرار دارد یا نه اشاره ای بکنیم . در ایسمن مورد با بد گفت چنین امری در دستور کار رژیم قرار ندارد و هدف آن تنها استفاده از حزب دمکرات برای رسیدن به برنامه اصلی اش که همانا سرکوب کامل جنبش مفاومت و برقراری حاکمیت کامل اش در کردستان است می باشد . چرا ؟ به ایسمن دلیل که رژیم ما هیتائیس توانست حتی طرح ۶ ماده ای حزب را مورد قبول قرار دهد . ما هیت و مسووعیت رژیم و حرکت آن تا کنون در رابطه با مسئله خلقها و مشخصاً خلق کرد نشان داده است که حد اکثر چیزی که رژیم به آن تن میدهد طرح خود گرنانی است و حتی این طرح به دلیل تفکر خاص و عقیمانده آن (۶) مورد قبول جناح خرده بورژوازی نیست . بنابراین حرکت رژیم در رابطه با حزب دمکرات تنها استفاده از سازشکاری آن برای تسهیل حرکت اصلی و هدف نهایی اش یعنی ایجاد شکاف میان نیروها و سرکوب و نابودی آنها است . این برنامه است که برنامه بورژوازی لیبرال و معمار آن بنی صدر است و جزئی از سیاست او را تشکیل میدهد .

ادامه حرکت رژیم

همانطور که گفتیم ، رژیم میداند که با صرف شهر هان نمیتواند به جنبش مفاومت در کردستان خاتمه دهد . در نتیجه با توجه به برنامه اش که یکسره کردن " قضیه کردستان " است ، حمله به روستا در جهت نابودی جنبش مفاومت بطور اخص

بورژوازی دارای اختلافاتی است . این تفاوتها را میتوان در سخنان بنی صدر در تبریز مشاهده نمود . بنی صدر در حالیکه همان حملات شدید جناح دیگر را علیه خلق کرد و نیروهای سیاسی آن تکرار میکند و جنگ در کردستان را " جنگ میان اسلام و کفر " مینامد و خواهان " پاک شدن کردستان از وجود مفسدان " و " برقراری حاکمیت جمهوری اسلامی " میشود و میگوید " نه تسلیم میشویم و نه عقب میرویم " ، اما همچنان به آنهاست که خود را صالح میدانند " اظهار میکند " در این جمهوری امکان آزادی بیان ندارند و می توانند در بحثهای آزاد شرکت کنند " و " دستی که اسلحه را بر زمین بگذارد و بسوی برادری رود بگرمی نشده خواهد شد " . به این ترتیب بنی صدر در حالیکه " جناق " را با یک دست به هوا میبرد ، با دست دیگر " شیرینی " را به رخ میکشد .

این سیاست در برنامه و حرکت جناح بورژوازی چگونه مشتمل خواهد شد . آنچه از سیاست بنی صدر و گفته های او بر می آید اینست که رژیم بعد از تصرف شهرها و بدست گرفتن یک موضع قدرت ، برای حفظ موقعیت خویش به دو حرکت بلافاصله دست خواهد زد . اولاً " دلجوئی " از مردم خواهد پرداخت و خستخواهد کرد که با خرج میانی چند مردم را بسوی خود جلب کند و آنها را به خود امیدوار کند و ثانیاً برای بدست آوردن فرصت و تحکیم موقعیت خویش سیاستبنداکره و راه حل سیاسی را با نیروهای صالح " (حزب دمکرات و ...) را پیش خواهد کشید . اما نه برای سازش و دادن امتیاز به آن (قبول طرح ۶ ماده ای) بلکه برای وقت گذرانی و باز کردن شکاف میان نیروها و به این وسیله ضمن تحکیم تمسک خویش در شهرها زمینه سازی و تدارک برای یورش بعدی به نیروها

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

و برقراری حاکمیت خود در کردستان بطور اسم در دستور کار و برنامه اش قرار دارد . آنچه مسلم است برای ارتش حمله به روستا ها و جنگ در پهنه آنها به همان سبب نیست که در پهنه شهر ها . در روستا و کوهستان جنگ شکل یار تیزانی گرفته و به همین علت نیروی پیشمرگه از موضع برتر برخوردار است . بعلاوه عدم آشنائی و آمادگی کافی نیروهای ارتش و پاسدار و برعکس شناخت و آمادگی نیروی پیشمرگه در جنگهای یار تیزانی در کوهستان و روستا و همچنین پشتبیا - نی روستائیان از نیروی پیشمرگه همه عواملی هستند که نیروهای سرکوبگر رژیم را در موقعیت ضعیفتر قرار میدهند و آنها را با اشکالات جدی مواجه می سازند . برآنگذگی روستاها در سطح وسیع نیز عامل دیگری است که به زیان نیروهای دولت کار میکند .

با توجه به اوضاع فوق رژیم در حمله به روستا بطور عمده بر نیروی هوایی خود تکیه خواهد نمود . به این ترتیب که با هلی کوپتر و هوا بیما یا یگانه و مقر های پیشمرگان در روستا و کوهستان مورد حمله قرار می دهد و بمباران میکند یا به راکت مس بندد . برای این امر رژیم احتیاج دارد تا از موقعیت روستا ها و محل های پایگاه های پیشمرگان مطلع باشد . در این میان جاشها چه بصورت عناصر پراکنده و چه بصورت متشکل که در "ما زمان پیشمرگان مسلمان کرد" گرد آوری شده اند میتواند مورد استفاده قرار گیرند . رژیم خواهد کوشید از طریق این خود فروختگان محل های تریو اسکان نیروهای پیشمرگه را شناسایی کند و سپس توسط هوا بیما یا هلی کوپتر آنها را بکوبد . البته گفته فوق بدین معنا نیست که رژیم صرفا پایگاهها و جاها بین که نیروی پیشمرگه مستقر است یا تردد میکند را مورد حمله قرار خواهد داد . مسئله اینست که در عین کوشش فوق ، رژیم جهت بوجود

آوردن رعب و وحشت در میان روستائیان و سوق دادن آنها به قطع پشتبیا نی خود از پیشمرگه ها یا محدود کردن این پشتبیا نی ، به حمله به روستا - ها و بمباران آنها بدون اینکه هدف مشخص ضربه زدن به نیروی پیشمرگه را دنبال کنند دست خور - اهد زد .

این حرکت رژیم در عین اینکه میتواند تا نیر - ات معینی داشته و موجب بروز اشکالات و محدودیت های در حرکت نیروی پیشمرگه در روستا گردد ولی قادر نخواهد بود با موفقیت رو برو شوند آن ترس و وحشتی که حملات کور رژیم به روستا در روستائیان بوجود می آورد با توجه به پیوند روستائیان با نیروی پیشمرگه و آگاهی نسبی ای که تا کنون روستائیان از طریق آتشا گری های که در بین آنها شده است نسبت به مسایل بدست آوردند ، در نتیجه موفقیت های نیروی پیشمرگه در ضربه زدن به دشمن و همچنین در اثر حرکات مبارزاتی در شهر یسرعت از مل خواهد شد و رو - ستائیان اعتماد کامل خود را باز خواهند یافت به این ترتیب با توجه به کلیه مطالب فوق و با توجه به عدم توان رژیم در تثبیت استقرار خویش در شهرها (بعد از توضیح خواهیم داد) میتوان ان نتیجه گرفت که رژیم در حرکت بسست روستا جهت نابودی نیروی پیشمرگه و استقرار در روستا موفق نخواهد شد و برنامه آن تا حد استقرار اولیه در شهرها متوقف خواهد گردید .

حرکت رژیم در زمینه های اقتصادی ، سیاسی و اجتماعی در دوران اشغال شهرها

با استقرار در شهرها ، رژیم در حرکت بعدی خود خواهد کوشید یا به استقرار خود راستحکم سازد . برای اینکار ، رژیم احتیاج به جلب مردم بسوی خود و تأکید آنها نسبت به حضور خویش دارد ، درک اصلی رژیم در کردستان اینست که پایگاه نموده ای ندارد و امروز این امر بیش از هر

زمان به چشم میخورد. به این دلیل و نتیجه به اینکه رژیم میخواهد به هر ترتیب حاکمیت خویش را در کردستان برقرار کند و میدانند و تجربه کرده است که "راه حل نظامی" به تنهایی مسئله اش را حل نخواهد کرد، به دست و پا افتاده تا با تکمیل "راه حل نظامی" توسط "راه حلهای غیر نظامی" حرکت خود را در جهت تأمین حاکمیت اش در کردستان با موفقیت رو برو سازد. البته این ایده و نظر زنگنه بیشتر از طرف عنا صروحاقل - یوزووازی لبرال که با واقع بینی یوزووازی خود به اوضاع بینگرف، بیان میشود و در میان آنها طرفند دار دارد.

دکتر مظفر پرتوما مشاور رئیس جمهور در راه - بطه با کردستان طی جریان اخیر در مصاحبه با کیهان ۳ خرداد ۵۶ در عین حمله به نیروهای چپ در کردستان و تکرار اینکه جنگ در کردستان "جنگ میان اسلام و کفر است"، اعلام میکند که پس از انجام این مرحله اکنون دارد صورت میگیرد (منظور او به پایان رسیدن اشغال نظامی شهر - ها است) راه حل نهایی مشکل، راه حل نظامی نیست و باید که شش در چهار جنبه مختلف بطور هماهنگ انجام شود که این جنبه ها عبارتند از: ۱- جنبه عمران و آبادی منطقه کردستان مانند مناطق دیگر نیست که امکان بهره برداری کم داشته باشد. امکانات کشاورزی و دامداری و تجسس برای معادن در این منطقه وجود دارد و تاکنون نادیده گرفته شده است و دولت باید با برنامه ریزی نشان دهد که علاقتند به عمران و آبادانی منطقه و ایجاد رفاه و آسایش برای مردم است. ۲- جنبه افزایش اطلاعات و آگاهی ها عمومی و سواد آموزی در منطقه کردستان باید با برنامه ریزی دقیق اقداماتی در جهت افزایش آگا

هی عمومی انجام شود و از سوی دیگر فعالیتها نیز در جهت توجیه این مسائل که بین ترک کرد، شیعه، سنی و... اختلافاتی هم اگر وجود دارد حل شود و نقاط اشتراک افزایش یابد. تا بتدریج تفاهم حاصل شود این مسائل از بین برود. از سوی دیگر باید مدارس دینی مختلف برای تقویت فقه تسنن تأسیس شود تا به تربیت مبلغ اهل سنت بپردازد، زیرا تا اکنون منطقه مبلغ اهل سنتندارد. در این رابطه همچنین باید گفت که رجال مسلکی وقتی در مورد کردستان صحبت میکنند نباید به کسانی که مورد احترام مذهبی مردم هستند اهانت کنند. ۳- اصلاح و ترمیم بعضی از مواد قانون اساسی ۴۰۰۰ - فعالیت علمای اسلام بسرای رفع اختلافات مذهبی و... پرتوما در ادامه صحبت های خود در مورد خود مختاری میگوید: "خود مختاری یکی از آرزوهای دیرینه مردم کرد است و از سوی دیگر مردم کردستان همیشه روابطشان و همکاری شان با ایرانی ها بوده است بنا براین هیچ دلیلی نمی بینم که مانع شود در چهار چوب یک کشور هماهنگی مردم درست به کردستان بعنوان خود مختاری امتیازاتی تعلق گیرد. و طوری باشد که نظیر آن به سایر اقوام موجود در ایران هم داده شود تا انسجام کشوری از بین نرود" (تا کیانما ست).

صحبت های فوق از زبان مشاور رئیس جمهور در کردستان نشان میدهد که رژیم به ابتکار جناح یوزووازی لبرال قصد دارد بعد از تصرف شهرها با جنبه ای اصلاح طلب و دلجوین از مردم کرد در جهت جلب آنها از این طریق بسوی خود وارد شود (۷) علاوه بر این که در صفحات قبل گفتم طرحها می نیز در رابطه با نیروهای سیاسی جهت خشنی کردن و سپس از میدان بدر کردن آنها در نظر

تنگ و نفرت بر ارزش ضد خلقی و پاسداران ارتجاع

دارد. "پرتوماه" در ادامه صحبت‌های خود میگوید "من به ریش جمهور پیشنه‌ها کردم اگر می‌خواهند خود مختاری بدهند راهش اینست که از نمایندگان اقشار مختلف مردم دعوت شود که در تهران اجتماع کنند و کنگره‌های تشکیل دهند و در آن انواع نقطه نظرها مورد بررسی قرار گیرد و حتمی شاقنه شود تا فرمولی بدست آید که همه پسند باشد و مسکن است طرح ۶ ماده‌ای هم اساس قرار گیرد و پس از اصلاح حاتم اگر پسندیده اجرا شود. (تاکیدات ازینجا)

رژم برای اینکه بتواند با این جهره وارد شود مجبور است از سیاست سرکوب کور چشم پوشیده و سیاست سرکوب خود را به شیوه‌های معقول‌تری به اجرا درآورد و سعی کند جهره اصلاح طلبانه و دلجوینش در مقابل مردم جلوه کند. چنین حرفه کتی خواست رژیم و بویژه خواست جناح بورژوازی لیبرال است و صحبت‌های "پرتوماه" و نکاتسی در صحبت‌های بنی‌صدر بیانگر آنست. ولی با توجه به عوامل متعدد رژیم قادر نخواهد بود این جهره را برای مدتی حفظ کند و آنرا به اجرا بگذارد. شرایط خاص موجود یعنی از یکطرف سطح بالای آگاهی و خواسته‌های توده‌ها در کردستان بویژه در شهرهای چون سنندج، مریوان، سنقر و... و شدت تضاد موجود میان رژیم و خلق کرد و وجود نیروهای پیشمرگه ادامه ضربات آن به مواضع رژیم و از طرف دیگر تضادهای درونی هیئت‌حاکمه و وجود اختلاف نظر بر سر حرکت در کردستان و همچنین رشد مبارزه طبقاتی در سراسر ایران در نتیجه بحران اقتصادی حاکم جهره واقعی رژیم بر ملا شده و برنامه و حرکت اصلی و الزامی آن یعنی سرکوب سرعت تبلور خارجی یافته و به اجرا در خواهد آمد.

اما مسئله اصلی و اساسی در شکست برنامه رژیم همان عدم توان و خواست رژیم در جوابگویی به خواسته‌های اساسی خلق کرد و راه بطله آن با توده‌های مردم کرد است که در برنامه‌ها به مثلاً جناب "پرتوماه" ارائه داده است کاملاً مشخص

است و تا کون نیز به عنوان امر مسلم در حرکت رژیم تبلور یافته است.

در برنامه‌های "پرتوماه" در زمینه مسائل اقتصادی اجتماعی و "فرمایشی" در کردستان ارائه می‌دهد کوچکترین اشاره ای به مسئله ارضی و حل آن نشده است. انگار نه انگار که چنین مسئله ای در کردستان وجود دارد. مسائلی که مطرح می‌کند از امکان بهره برداری در زمینه کشاورزی (البته بدون حسل مسئله ارضی ؟!) و دامداری و تجسس برای معادن و اینکه "دولت باید با برنامه‌ریزی نشان دهد که علاقتند به عمران و آبادی منطقه و ایجاد رفاه و آسایش برای مردم است" فراتر نرود. این تمام "برنامه" و اصلاحاتی است که "ایدئولوگ" مسائل کردستان و مشاور ریاست جمهوری برای مردم کردستان در چشمه دارد. این برنامه که یقیناً چیزی جز یک برنامه ناچیز رفاهی سطحی بیش نیست و بسیار هم کلی و مبهم است جوابگوی کوچکترین خواسته‌های مردم کردستان هم نیست. در این "برنامه" حتی انجام بعضی اقداماتی که بطور کلی در توان بورژوازی است (مانند ایجاد کارخانه و مراکز صنعتی یا دانشگاهی) نیز به چشم نمی‌خورد. البته بعنوان سخن معترضه باید گفت که اینان مسائل اساسی را فراموش نکردند و مانند دیگر بسط علم و تکنیک! این نیز بود مانند و به همین دلیل در نکته دوم (یا بقول ایشان در جبهه دوم) بر لزوم ایجاد "مدارس دینی مختلفه برای تقویت فقه تشن" برای تربیت مبلغ اهل سنت تاکید دارند. اینکه "پرتوماه" هیچ‌گونه اشاره‌ای به مسئله ارضی نمی‌کند مفهومی دیگری ندارد جز اینکه رژیم به دلیل انگاش به فتودالها و زمینداران بزرگ در این زمینه "صحبت از" بهره برداری از امکانات کشاورزی و "تجسس معادن" نشان می‌دهد که مسئله آقای "ایدئولوگ" بورژوازی نه وجود آوردن یکسری امکانات و بهره برداری بعدی از آنها، بلکه استغناء از امکانات موجود یا امکاناتی که بوجود آورده نشان "زحمت" زیادی برای آقایان ندارد می‌باشد.

تادریه هیچ حرکتی به نفع دهقانان نیستو برای حفظ پشتیبانی فتودالها و زمینداران بزرگ، و تونجا - بدن آنها در این موقعیت حتی از صحبت در پیرا - مون، این مسئله ظفره میبود .

با چنین "برنامه" ای و با توجه به موقعیت و اهمیت رژیم که قبلا راجع به آن صحبت کردیم ، کاملاً روشن میشود که رژیم جمهوری اسلامی نمیتواند و نه در برنامه‌اش هست که به اجرای رژیم در کردستان و اجرای یک برنامه اقتصادی ، اجتماع حد اقل در - کردستان دست بزند .

در ادامه بحث فوق در مورد علل اساس شکست حرکت رژیم برای استقرار نسبی در کردستان و در ارتباط با بحث فوق این مسئله است که رژیم در کرد - ستان و در میان توده‌های مردم هیچ گونه پایگاه توده‌ای ندارد . این مسئله فاکتور بسیار مهمی است که استقرار (تثبیت) رژیم را در کردستان (شهرها) غیرممکن می سازد . پشتیبانان رژیم در کردستان محدود است به عناصر خود فروخته (جاشها) زمینداران بزرگ و توده‌های و عناصری که دشمنان خلق کرد بوده و توده مردم شدیداً از آنها متنفرند و آنها را دشمنان آشتی ناپذیر خود می دانند .

در مورد مسئله ملی و خود مختاری نیز که یکی از مسائل اصلی و ملموس برای خلق کرد است رژیم نمیتواند آنها حل کند و نمیخواهد آنها برسمیت شناخته و حتی یک آن بطور جدی برخورد کند . " پرتوما " در همان مصاحبه از " خود مختاری " و امکان اساسی قرار گرفتن طرح ۶ ماده‌ای حزب دمکرات سخن میگوید اما اولاً او از دادن خود میگویند صحبت نمیکنند بلکه از اینکه " به عنوان خود مختاری امتیازاتی تعلق گیرد " حرف میزند ثانیاً راه دادن آنها را از طریق مذکره با نیروهای سیاسی و نمایند - گان مردم کردستان (حتی صرفاً حزب دمکرات) -

بلکه میگوید " راهش اینست که از نمایندگان اقتدار مردم دعوت شود که در تهران اجتماع کنند و تکوهای تشکیل دهند و در آن انواع نقطه نظرها مورد بررسی قرار گیرد و حتی مناقشه شود تا فرمولی بدست آید که همه پسند باشد " بعد اضافه می کنند که نمایندگان احزاب و سازمانها نیز حضور داشته باشند یعنی آشی که با نظارت خلق کرد و نمایندگان آن (البته اگر چنین طرحی را هم بیاورند) توسط بورژوازی لیبرال و خرده بورژوازی مرفهستی بخته می شود اما این " آشی " که همان " امتیازاتی است که بعنوان خود مختاری تعلق میگیرد چیزی بیش از " طرح خود گردانی " نیست و نمی تواند باشد . این را در " برنامه " و صحبتهای " پرتوما " و در رابطه با خود مختاری شیوه‌ای که ایشان برای رسیدن به آن پیشنهاد کرده است و همچنین ملموستر از آن در پراتیک یک سال اخیر هیئت حاکمه در بر خورد به مسئله خواست خود مختاری از طرف خلق کرد ، می توان مشاهده نمود . رژیم نشان داد که حد اکثر امتیازاتی که رژیم قادر است بدهد همان طرح کن - ای " خود گردانی " است و از آن فراتر نمی رود * به این ترتیب همانطور که قبلاً اشاره کردیم رژیم نه تنها طرح ۲۶ ماده ای بلکه حتی قادر و حاضر به قبول طرح ۶ ماده ای حزب دمکرات نیز نیست و صحبت " پرتوما " مبنی بر " امکان قرار گرفتن طرح ۶ ماده ای به عنوان اساس بحث " چیزی - قابل ذکر است که طرح " خود گردانی " که محتوای آن چیزی جز برقراری سیستم عدم تمرکز اداری به علاوه بعضی مسایل جزئی نیست و مورد اعتراض جناح خرده بورژوازی است و بعضی نمایند - گان این جناح حرکت دولت بازگان و فرورهر به خاطر دست یازیدن به مذاکراتی که به ارائه این طرح از طرف دولت انجامید را خیانت میخوانند .

حق تعیین سرنوشت ، حق مسلم خلقهاست

جنسیک موضع تا کنیک برای امیدوار کردن حزب دمکرات و کشاندن آن بدنیال خود وجه الصالحه قرار دادن آن معنی دیگری ندارد. آن اصلاحاتی هم که رژیم میخواد در آن وارد کند اینستکه این طرح را مثله کرده و آن را با محتوای طرح "خودگردانی" و به شکل دیگر ارائه دهد.

به این ترتیب رژیم علیرغم عده و روید های بسیار و حتی خرج مبالغ زیاد پول و بعضی اقدامات رفاهی و ارائه دوباره طرح کذابی "خودگردانی" (حد اکثر کاری که میتواند انجام دهد) و قسادر نیست کوچکترین خواستههای خلق کرد را جواب دهد. این امر همچنین بدین معنی است که رژیم اجبارا و لزوما با یستی برای حفظ استقرار خویش در شهرها بر حاق سرکوب بیش از پیش تکیه کند. هر کس که باز هم شکاف میان توده های خلق کرد و رژیم را افزایش خواهد داد.

وضعیت توده ها و حرکت جنبش توده های

در کردستان

خلق کرد بایست سرگرداشتن یک دوران مبارزه سیاسی - نظامی که بصورت جنبش مقاومت خلق کرد متبلور گردید و بسر بردن در یک وضعیت انقلابی، امروز بطور نسبی در شرایط بالایی از آگاهی و تشکل و آمادگی مبارزاتی بسر برد. طی جنگ مقاومت توده های خلق کرد علیرغم نفوذ نیروهای بورژوازی و خرد بورژوازی در جنبش مقاومت، توانست صحنه های پرشوری از مبارزه بیافریند (مقاومت سقز در دوره اول جنگ مقاومت و مقاومت دلاور مردم مستند در دوران اخیر) و سطح بالایی از آگاهی و تشکل را به نمایش بگذارد (تحصن ۳۰ روزه مردم سندهج و بوجود آوردن نهاد های انقلابی مانند بنکها) اینها و مبارزات مساحانه پیشمرگان همه تجریبات برابری است که بر غنای سنت مبارزاتی خلق کرد می افزاید و آنرا در مبارزه برای کسب حقوق واقعی خویش آبدید مشر میسازد. اکنون بخش مهمی از مردم کرد نسبت به ستم

که در دوران رژیم شاموقبل از آن بر آنها رفته و حقوقی که باید داشته باشند آگاهی یافته اند، و این آگاهی در نتیجه فعالیت آگاهانه نیروهای سیاسی در کردستان طی دوران اخیر به مقدار زیادی تا حد زیادی افزایش یافته است. بر این مبنا عدم پاسخگویی رژیم جدید یعنی جمهوری اسلامی به خواسته های خلق کرد (که قبلا راجع بعمل آن صحبت کردیم) و برعکس سرکوب و کشتار آن و فعالیت وسیع نیروهای انقلابی در کردستان به سرعت حرکت و برنامه رژیم جدید را برای توده های خلق کرد آشکار نمود. طی این مدت توهم توده های کرد نسبت به جمهوری اسلامی فرو ریخت و آنها را واداشت تا به مبارزه برای کسب حقوق خویشان امه دهند.

رژیم جمهوری اسلامی آنچنان به ضدیت با خلق کرد و خواسته های آن برخاست و چنان سرکوب و کشتاری در کردستان برآورد که خواسته کوچکترین جایی برای قبول خویش از طرف توده های کرد باقی نگذاشت و چه بسا توده های نا آگاه در مقایسه رژیم جمهوری اسلامی بسا رژیم شاه و اولی را دشمن سرسختی برای خود یافتند. آنها سرکوب و ستم فاشیستی ولی پنهان رژیم شاه را در دوران رژیم جمهوری اسلامی بصورت آشکار و وحشیانه - اثری که فرزند ان، خویشان و آشنایان آنها را در ابعاد دهمها و صد ها نفر به نابودی می کشاند و سپس در یارشان را به بیرانه تبدیل می نمود و می نماید مشاهده میکنند بود و مطلق ساده و تجریمی خویش رژیم فعلی را درنده تر و ارتجاعی تر می یابند. این وضعیت با گستردن شدن ابعاد سرکوب و کشتار که هم اکنون شاهد آن هستیم باز هم بیشتر تشدید می شود. آنها رژیم حاکم فعلی را نه حامی مستضعفین "میدانند و نه" اسلامی " آنها در زندگی روزمره و عینی خویش به این نتیجه گیری رسیدند اند. آنها در حالیکه مسلمان هستند و مثل همیشه اعتقادات و اعمال مذهبی خویش را حفظ کرده اند، بسا آفوش باز کمونیستها را استقبال می کنند و با تمام وجود از آنها پشتیبانی می کنند. آنها کمونیستها را مسلمان تر از رژیم جمهوری اسلامی می دانند. همه اینها به دلیل که آنها در زندگی روزمره و عینی خویش

کمیته‌ها را مدافع و در کار خویش یافتند - مسئله فوق را فقط برای تبلیغ نمی‌گوئیم ، بلکه مهمتر از آن به این جهت آنرا مورد توجه قرار می‌دهیم که بیانگر وجود صفت بلندی (یا حداقل زمینهای وسیع و عمیق صفتندی) طبقاتی و سمت صحیح حرکت ذهنی بود که خلق کرد است . آنها از آنکس دفاع و پشتیبانی میکنند و سمت حرکتشان در تأیید کسانی است که مدافع منافع طبقاتی آنان هستند و نه مدافع منافع و مناسک سنتی شان . با یک چنین وضعیت ذهنی و شرایط عینی است که امروزه توده‌های خلق کرد در سطح پایین از پتانسیل انقلابی و خواست کسب حقوق اساسی خویشند .

هم نمونه مقاومت در لاورانه مردم سنج و شیر و شوق و پتانسیل قدرتمند انقلابی آنها را میتوان شاهد مثال آورد .

بر این اساس و با توجه به وجود سازمانهای جنبی انقلابی بویژه نفوذ روزافزون نیروهای اصیل مارکسیست - لنینیست که مسلحانه در کار و پیشاپیش توده‌ها به مبارزه ادامه می‌دهند و به دلیل عدم توان و خواست رژیم در پاسخگویی به خواستهای عمیق خلق کرد به دلایلی که قبلاً ذکر آنرئت ، نه تنها رژیم قادر نخواهد بود با سرکوب و گشتبار حرکت مبارزاتی توده‌های کرد را متوقف سازد ، بلکه با حرکت ضد خلق و سرکوب و حشیانه خویش باضت کینه باز هم بیشتر خلقی کرد نسبت به خود و راسختر شدن همن آنها در ادامه مبارزه خواهد شد . چنین وضعیتی را ما به خوبی در حرکت توده‌های خلق کرد در برابر سرکوب و گشتبار رژیم شاه طی دوره مبارزات یک سال و نیم قبل از قیام شاهد بودیم . سرکوب و حشیانه‌های که هم اکنون در جریان است میتواند بطور موقت و زودگذر رفته یا وقفه‌هایی در حرکت رشد یافته مبارزات خلق کرد ایجاد کند ، ولی قادر نخواهد بود آنرا متوقف یا با یک دوره رکود طولانی یا متوسط مدت مواجه سازد . زمینه‌های مادی ادامه جنبش مقاومت در کردستان بر بیشتر زمینه مادی رشد و اوجگیری جنبش توده‌های کرد

سراسر ایران همچنان موجود بوده و رژیم حاکم قادر به از بین بردن آن نیست . آنچه من مانند زمینه‌های ذهنی آنست که در عین فراهم بودن نسبی آن که قبلاً به آن اشاره کردیم - همچنان باید پرورش یابد و سمت آن هر چه بیشتر در جهت یک مبارزه طبقاتی واقعی سوق داده شود . به عبارت دیگر نقش نیروهای مارکسیست - لنینیست در بردن آگاهی طبقاتی در میان توده‌ها و تلقیق درست مبارزه ملی با مبارزه طبقاتی عامل اصلی در این پرورش خواهد بود . آنچه مسلم است چنین حرکتی از طریق نیروهای اصیل مارکسیست - لنینیست از کانال مبارزه با نظرات نیروهای بورژوازی و خرد بورژوازی و زدودن آنها از ذهن توده‌ها و جنبش آنها جهت بدست آوردن هژمونی ایدئولوژی پرولتری در جنبش مقاومت که تنها ضامن پیگیری و به پیروزی رساندن آنست میگرد .

تذکره

مقاله‌ای که در مورد کردستان ملاحظه میکنید ، مدتیست که از نگارش آن میگذرد . این مقاله کوشش است در توضیح حرکت رژیم جمهوری اسلامی و همچنین حرکت جنبش مقاومت خلق کرد در حال حاضر و روند ادامه آن . اکنون که مدتی از نوشتن مقاله میگذرد اتفاقات و وقایع پیش آمده صحت پیش بینی ما را در مورد روند اوضاع در کردستان نشان میدهد .

هیئت تحریریه

توضیحات

(۱) - در واقع حل نهایی این بحران که بحران سیستم سرمایه‌داری وابسته است تنها با نابودی این سیستم و درهم کوبیدن مناسبات سرمایه‌داری وابسته امکان پذیر و عملی است ، زیرا تضاد میان رشد نیروهای مولد و مناسبات حاکم (مناسبات سرمایه‌داری وابسته) که به مرحله آنتاگونیسم در سالهای ۵۲ - ۵۶ کشیده شد همچنان موجود است و حتی به دنبال تغییر و

پیروزیاد جنبش مقاومت خلق کرد

تحولات سیاسی در سطح جامعه بعد از قیام بهمین ۵۷ تشدید نیز یافته است. در واقع حل بحران سیاسی - اقتصادی جامعه ما در دوران رژیم شاه تنها با یک انقلاب اجتماعی امکان پذیر بود، در حالیکه تغییر و تحولات به وجود آمده در جامعه تنها یک انتقال قدرت سیاسی از دست بورژوازی کبیرادور به دست

بورژوازی لیبرال و خرد بورژوازی مرفه سنتی - سرمایه داری و وابسته به جای خود باقی ماند.

(۲) همه جا وقتی از خرد بورژوازی صحبت می شود منظور خرد بورژوازی مرفه سنتی است در غیر اینصورت آنرا مشخص خواهیم کرد.

(۳) منظور اینست که امپریالیسم به دلیل عدم تثبیت قدرت حاکم و نداشتن محیطی امن برای سرمایه گذاری و سرازیر کردن کمکهای اقتصادی در نتیجه وجود یک جنبش توده ای و حرکت بخشی از قدرت حاکمه خرد بورژوازی - که عدوی شدن میان روابط میان حکومت جدید

و امپریالیسم را دچار اشکال می سازد حاضر به سرمایه گذاری جدید و اعطای کمکهای اقتصادی نیست و حتی

با خروج سرمایه های خود یا عدم ادامه سرمایه گذاریها و کمکهای سابق بحران سیستم حاکم را تشدید می کند.

(۴) منظور از بهتر بودن موقعیت ارتش اینست که نسبت به سال پیش رژیم توانسته است تا حدود زیادی

"نظم" و "انضباط" را در میان ارتش که در اشد قیام توده ها در هم ریخته بود به آن بازگرداند و همچنین

شوراهای انقلابی و مترقی پرمسئول جزو را به مقدار زیادی سرکوب یا خشن نماید.

بعلاوه "سپاه پاسداران" نیز این مدت توانسته است شکل بگیرد و انسجام بیشتری پیدا کند و در همین ارتباط هماهنگی بیشتری

در ادامه سیاست خود در کردستان یعنی سرکوب خلق کرد با ارتش پیدا نماید.

(۵)

حالت این حکم و پیش بینیها اکنون می توانیم بخوبی ببینیم بنی صدر در مصاحبه رادیو تلویزیونی در صحبت

هایش در این جهت سخن گفتند نیاال آن شاه شد

انتشار پیام مشترک از طرف سازمان چریکهای فدایی خلق و حزب دمکرات کردستان ایران بودیم. بار -

دیگر بنی صدر در صحبت بعدی اش حرکت این دو نیرو را تأیید کرد و آنها را "منطق" خواند و از

"شرف" آمدنشان ابراز مسرت کرد. اکنون رسانه ها گروهی اعلام می کنند که طرح ۶ ماده ای با اصلاحاتی

برای حل مسئله کردستان اعلام خواهد شد.

(۶) منظور از عبارت فوق تفکر حاکم بر خرد بورژوازی مرفه سنتی است که همان اسلام ۱۴۰۰ سال پیش

و برداشتهای آن در این کادر است. بر مبنای این تفکر خرد بورژوازی مرفه سنتی هیچ اعتقادی بسه

وجود ستم ملی بر اقلیتهای ملی ندارد و همه را جز "امت اسلامی" که هیچ فرقی میان آنها نیست

و همه آنها در ستمی که بر ایشان روا رفته است ساوی اند، قرار میدهند. ملاحظاتی مختلف

خمینی مبنی بر اینکه مردم جنوب شهر تهران ستم بیشتری کشیدند و وضعشان از مردم کرد - تان

بدتر است و ... همه بیان چنین تفکری است (۷) - این عدم توان رژیم را بخوبی می توان در

بانهائی که اکنون می آورد مشاهده نمود. اطلاعات

آخر داد ۵۹ تحت عنوان "تقسیم زمین در کردستان بزودی آغاز خواهد شد" از قور خوانساری یکی

از اعضای "ستاد مرکزی نظارت بر اجرای اصلاحات ارض اسلامی در سراسر ایران" در مورد تقسیم

زمین در مناطق اطراف سنندج می نویسد: "ما سایل مربوط به زمین را در این شهرستان مورد

بررسی قرار دادیم و فعلا امکان تشکیل هیئت ۷ نفری برای تقسیم زمین وجود ندارد، اما به محض

اینکه توانستیم امنیت را بطور کامل در منطقه برقرار

کنیم و جلوی اقدامات احتمالی فئودالها را بگیریم کمیته ۷ نفری تشکیل و تقسیم زمین آغاز خواهد شد

(تأکیدات از ماست) در این سخنان به دست توضیح بیشتری می توان دید که رژیم تنها میتواند

و دهه "سرخین" بدهد و از اجرای وعده های خویش کاملاً ناتوان است. ۱۰ خرداد ۵۸

توضیح:

مقاله تشدید مبارزه طبقاتی در جامعه و ...
 قبل از انشعاب در "سازمان چریکهای فدائی خلق ایران" نوشته شده است. بنا بر این در طول مقاله هر کجا از "سازمان چریکهای فدائی خلق" صحبت شده است منظور دوران قبل از انشعاب اخیر است و روشن است که برخورد آن متوجه نظرات حاکم (رهبری) بر سازمان بوده است.

تشدید مبارزه طبقاتی ...

لنین در مقاله "احزاب سیاسی در روسیه" میگوید "تقسیم هر جامعه‌ای به احزاب سیاسی هنگامی با وضوح تمام نمایان می‌شود که بحرانهای عمیق تمام کشور را متشنج ساخته باشد، در چنین مواقعی دولتها مجبور می‌شوند در بین طبقات مختلف جامعه تکیه‌گاهی برای خود جستجو کنند. مبارزه جدی هر گونه عبارتبرداری و هر گونه ریزکاری و هر گونه تظاهری را از سر راه خود به کناری می‌انگند. و چند سطر بعد ادامه می‌دهد: "همیشه در دوران چنین بحرانهایی است که گروه‌بندی‌های حزبی نیروهای اجتماعی برای سالهای زیاد و حتی برای دهها سال تعیین می‌شود. مثلاً در آلمان نمونه چنین بحرانهای جنگهای سالهایی ۱۸۶۶ و ۱۸۷۰ و در روسیه حوادث سال ۱۹۰۵ بود. بدون مراجعه به حوادث سال ۱۹۰۵ نمیتوان به ماهیت احزاب سیاسی کشور ما پی برد و نمیتوان برای خود روشن نمود که فلان یا بهمان حزب در روسیه نماینده کدامیک از طبقات است." (تاکید از لنین)

اکنون اوضاع جامعه ما و روند حرکت آن به گونه‌ایست که هر روز بیشتر شاهد این وضوح در تقسیم بندی جامعه به احزاب سیاسی مختلف و تعیین گروه‌بندی بی‌بای حزبی نیروهای اجتماعی و خلاصه اینکه این

یا آن جریان نماینده کدامیک از طبقات اجتماعی است می‌باشیم. به عبارت دیگر تشدید بحران سیاسی اقتصادی موجود در جامعه و در نتیجه تشدید مبارزه طبقاتی در آن، باعث میگردد قطب بندی طبقاتی در میان نیروهای سیاسی موجود انعکاس بیشتری یافته و مشخصتر گردد. به این ترتیب در آینده نزدیک بایستی منتظر حوادثی باشیم که این گروه‌بندی را که اکنون در نتیجه بعضی حوادث و جریانات در درون جامعه بروز خارجی و مشخصی یافته است "برای سالهای زیادی و حتی دهها سال تعیین کند."

در واقع مسئله اینست که بازتاب اوضاع جامعه ما در درون جنبش کمونیستی ایران طی دوران پس از قیام بهمن ۵۷ تا کنون، و آنچه هم امروز در جامعه ما می‌تدرد، در حال حاضر ما را در مقابل این وضعیت قرار داده که جریانات درون جنبش کمونیستی ایران بین از پیش دست‌گیری طبقاتی، تقابل مشخص کرده و صف جریانات مارکسیستی اصیل از جریانات غیراصیل "مارکسیستی" جدا می‌گردند و حرکت جریانات غیراصیل "مارکسیستی" اساساً بصورت بیهوشی این جریانات از ابتدائی‌ترین اصول مارکسیسم - لنینیسم در باره طبقات و مبارزه طبقاتی و تقابل ترها و نظرات رونیونیستی و رفرمیستی تبلور می‌گردد. اکنون رونیونیسم خروشنی که بدست از طرف مارکسیست - لنینیستها بعنوان خطر عمده در درون جنبش کارگری و کمونیستی معرفی می‌گردد و می‌گردد با نفوذ و غلبه در بخش مهمی از جنبش کمونیستی ما، بصورت خطری بالقول در آمد و پشت آنرا تهدید می‌کند. رهبری سازمان چریکهای فدائی خلق به دنبال یک دوران حرکت نوسانسی میان مارکسیسم و رونیونیسم و در واقع میان بولتاریسم یا جزواری، به دلیل ماهیت تفکر و روش سیاسی حاکم بر آن در مقابل شدتگیری مبارزه طبقاتی می‌

پرچم مبارزه آید فلولوژیک را بر اثر اشتباهت‌ها سازیم

حادث یافتن تضاد میان بورژوازی و طبقه کارگر بطور اخص و زحمتکشان بطور اعم و بعبارت دیگر در مقابل ستمگینی بار انقلابی که ناتمام مانده است، قدمهایی به لژزه می افتد و ندای تسلیم و سازش در می دهد و در مقابل بورژوازی جبهه به زمین می ساید. این تسلیم و گزینش رهبری سازمان چریکهای فدائی خلق در عرصه مبارزه طبقاتی به شکل ارائه ترهسا و نظرات تسلیم طلبانه و روزنیستی و قرار گرفتن در جبهه روزنیستها و سازشکاران بروز پیدا می کند و بسرت آنرا در مقابل نیروهای مارکسیست لنینیست و جبهه نیروهای انقلابی قرار خواهد داد. در اینجا قصد ما بررسی حرکات سازمان چریکهای فدائی خلق بطور کلی و برخورد به نظرات و حرکات آن نیست، این امر را تاکنون سازمان ما انجام داده و بیگیرانه ادامه خواهد داد. برخورد و بررسی ما در اینجا به بررسی و تحلیل حرکت سازمان چریکهای فدائی خلق در ارتباط با کردستان و جنبش مقاومت خلق کرد بطور مشخص روند حرکتی که این سازمان در این ارتباط تا کنون داشته است محدود می شود بدون شک حرکت عملی و نظری سازمان چریکهای فدائی خلق در رابطه با کردستان جدا از حرکت عمومی آن نیست و برخورد ما نیز چنین نخواهد بود (مسئله اینست که ما در اینجا صرفاً این جنبه از حرکت این نیرو را بطور مشخص مورد برخورد و بررسی قرار خواهیم داد). لژزه و ضرورت این امر در رابطه است با شرکت این نیرو در جنبش مقاومت خلق کرد تا کنون و نتایجی که حرکت امروز سازمان چریکهای فدائی خلق در رابطه با مبارزات خلق کرد و نیروهای سیاسی سهم در آن باقی می گذارد. قبل از پزداختن به بحث اصلی لازم به یاد آوری است که به دلیل در دسترس نبودن مجوه انتشارات سازمان چریکهای فدائی خلق در رابطه با کردستان، نوشته ما دچار کمبود و نقائص خواهد بود. لیکن ما می گوئیم یا تکیه بر همان مقدار اسنادی که در دست داشتیم تا حد

امکان برخورد همجانبهای داشته باشیم و خطوط اصلی حرکت سازمان چریکهای فدائی خلق را در ارتباط با جنبش مقاومت خلق کرد و چگونگی انعکاس حاکمیت جریان روزنیستی در سازمان را در این ارتباط و در شاخه کردستان آن روشن گردانیم.

تندیج مبارزه طبقاتی

و حرکت "انقلابی"

سازمان چریکهای فدائی خلق (شاخه کردستان)

در دوران یورش اول هیئت حاکمه به کردستان در مرداد ۵۸ هـ که به فرمان آیت الله خمینی انجام گرفت سازمان چریکهای فدائی خلق "به ارتجاع حاکم" معتقد بود و در مورد حمله آن به کردستان در گزار ۳۲ به تاریخ ۲۶ شهریور ۵۸ در مقاله "کفرانسیس وحدت ... من نویسد" اما ارتجاع حاکم یورش وسیع خود را برای پایمال کردن دستاوردهای قیام و آزادبهای بدست آمده و به بند کشیدن زحمتکشان و سرکوب مبارزات حق طلبانه خلقها آغاز کرده است و در ادامه می گوید: "چنانچه ارتجاع حاکم موفقی شود کردستان را به خاک و خون بکشد و جنبش مقاومت خلق کرد را از پای د آورد چاقوی امپریالیسم که در جریان قیام از کار افتاده بود از نو به کار افتاده و سرکوب همه نیروهای انقلابی حتی لیبرالها و محافظه کاران میانه رو نیز تا حد امکان پیش خواهد رفت. تضاد های موجود رژیم بنفع مترجمتربین جناح آن حل خواهد شد و تحت پوشش ولا یختگیه یک دیکتاتوری فاشیستی بر مردم تحمیل خواهد شد اما اگر در کردستان تیر ارتجاع به سنگ بخورد ... بویژه شبه کودتایی که بسود جناح ارتجاعیتر رژیم در اواخر مرداد صورت گرفت با اعتراض شدیدتر از جانب جناحهای دیگر هیئت حاکمه مواجه خواهد شد" (تاکیدات از ماست) در نقل قولهای فوق مشاهده می کنیم که اولاً "سازمان چریکها" هیئت حاکمه را ارتجاعی معرفی می کند که خواهان نابودی جنبش مقاومت خلق کرد است و آن را تیز کننده جاقسوری

پذیرش هیئت نمایندگی خلق کرد، انحلال سپاه پاسداران در کردستان، بخلع صلاح مزدوران مصلحتی، تقبل جبران خسارت از طرف دولت و پیشروان انتشار طرح خود مختاری هیئت نمایندگی خلق کرد از راسته یوزلیون، در مقاله "ما و جنبش مقاومت خلق کرد" در همان شماره کار آمده است. هرگونه صلح پایداری در کردستان باید متضمن به رسمیت شناختن ارگانهای خود مختار مسلح توده‌های باشد که طبق طرح صلح کردستان می‌باید مسئولیت حفظ انتظامات داخلی منطقه کرد نشین کشور را برعهده گیرند.

مجموعه مواضع فوق و حرکتی که "سازمان چریکها" بر مبنای این مواضع در ارتباط با جنبش مقاومت خلق کرد در پیش گرفته بود - صرف نظر از زاویه دید لیبرالی در برخورد به جناحهای یوزلیون و خرد و یوزلیون، هیئت حاکمه و از حرکت ارتجاعی خرد، یوزلیون به یوزلیون بنا بردن از جانب "سازمان چریکها" - در مجموع بیانگر موضع انقلابی بی از جانب این سازمان در برخورد به هیئت حاکمه و مبارزه و مقاومت خلق کرد بود. در کاردهمین مواضع است که شاخه کردستان سازمان چریکهای فدائی خلق طبرستان گرد شکرند مواضع رهبری سازمان بعد از اشغال سفارت آمریکا توسط دانشجویان پیرو خط امام "بوجود آمد و نقطه شروع مقاله "چرا مرکز جاسوس آمریکا تسخیر شد؟ چرا نخست وزیر مستخب امام سقوط کرد؟" در کار ۳۰ مورخ ۲۱ آبان ۵۸ بود، در اعلامیه‌ای که بتاريخ ۳ آذر ۵۸ تحت عنوان "ضد امپریالیستهای واقعی چه کسانی هستند؟" منتشر نمود مواضع اتخاذ می‌کند که مقایسه آن با مواضع امروز سازمان چریکهای فدائی خلق بسیار جالب است. در این اعلامیه چنین می‌خوانیم: "در طول مدت پس از قیام ما از یکطرف (#) - پایتخت در صفحه بعد

امپریالیسم می‌داند، ثانیاً از جناح ولایت فقیهی آن یعنی خرد، یوزلیون حاکم به نام جناح ارتجاعی‌تر رژیم که می‌خواهد یک دیکتاتوری فاشیستی بسازد تمهید کند و در اواخر مرداد ۵۸ دست به شیبه کودتازد (فرمان خمینی مبنی بر جهاد علیه "کفار" در کردستان و اعلام بمهد مگر متن فرماندهی کل تواتر طرف او) نام می‌برد. دیکتاتوری فاشیستی، آنکه حتی لیبرالها و محافظه کاران میانه رو را نیز در امان نخواهد گذاشت در مورد مضمون مبارزه خلق کرد و خواسته‌های آن سازمان چریکها در بخش دوم همان مقاله در کار شماره ۲۲ از لزوم ممانعت از عمده شدن جنبه ملی مبارزه و دامن زدن به مبارزه طبقاتی صحبت می‌کند و می‌گوید "۰۰۰ عمده کردن مسئله ملی در این شرایط معادل است با تن دادن به گرایشهای ناسیونالیستی و تنگ نظرهای خرد، یوزلیون. ما معتقد نیستیم که مسئله ملی در کردستان جدا از پیروزی انقلاب دمکراتیک خلق در سراسر ایران قابل حل است و تن دادن به گرایش ناسیونالیستی جز مخدوش کردن مبارزه طبقاتی تحمیل توده‌ها و منحرف کردن ذهن آنان از دشمن اصلی خویشی شری نخواهد داشت. هرگز که به موقعیت استراتژیک منطقه و به موقعیت کنونی مبارزه طبقاتی در ایران اندک آشنائی داشته باشد نمی‌تواند امیدوار باشد که خلق کرد می‌تواند خارج از چارچوب ایرانی آزاد و دمکراتیک به حاکمیت دمکراتیک دست یابد." (تأکیدات از ماست) -

سازمان چریکهای فدائی خلق - شاخه کردستان در مورد مذاکره و شروط آغاز آن در اعلامیه‌ای بتاريخ ۱۸ آبان ۵۸ (مدرج در کار ۲۶) شش شرط قائل شده است که عبارتند از پذیرش اصل خود مختاری کردستان از طرف دولت و آزادی فوری زندانیان سیاسی و لغو حکم تبعید مبارزان کرد

مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با و نژادپرستی نیست

شاهد درگین‌بائی بین این دو جناح (منظور جناح بورژوازی و خرد" بورژوازی است - توضیح از ما) در درون هیئت حاکمه بر سر داشتن سهم عمده از قدرت بودیم و از طرف دیگر ناظر موضع یکسان آنان در امر سرکوب خشن در برابر حرکت عده‌های - زحمتکش مردم و نابودی آزادی‌بهای دمکراتیک ... شدیم " چندی خط بعد در رابطه با حرکت ضد امپریالیستی تود مهاو برخورد هیئت حاکمه با آن آمد " است " در این بین حرکت ضد امپریالیستی مردم کاملا آشکار و شگوهند است بنا بر این در مرحله کنونی که تضاد درون حاکمیت تشدید گشته و فاصله‌گیری تود مها از حاکمیت رو به آنگ گذشته است ، درست بر این اساس برای تحکیم حاکمیت از تالیلات ضد امپریالیستی تود مها سو استفاده شده و آگاهانه می‌کوشند که احساسات تود مها را به انحراف بکشانند و " در این چند روز اخیر دیدیم که آنها شام سعی خود را در این امر گذاشته‌اند که تالیلات ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی تود مها را به خدمت بگیرند تا تضادهای درون حاکمیت را بنفع خود تمام کرده - حمایت موقتی تود مها را با شور آفرینی و عوامفریبی هلند مانند نوحه خوانی و سیئه زنی در جهت تصویب قوانین ارتجاعی خبرگان بکار گرفته و در ضمن توده - ها را با به انحراف کشاندن جهت مبارزانشان در خدمت خود بگیرند " در این اعلامیه در مورد حرکت امپریالیسم آمریکا در رابطه با ایران و رابطه هیئت حاکمه با آن آمده است ، " ... خلق هشیار ما می‌دانند و بد رستی آگاه است که حرکت ناوگان دریا -

تیر نویس صفحه قبل

البته این برخورد به بخشی از مواضع سازمان چریکها است و بطور اصولی نباید آنها را از سایر مواضعشان جدا کرد ما بعد از ادامه بحث خود و رابطه میان جنبه‌های مختلف مواضع آنها خواهیم پرسد اخت و علت تغییرات بوجود آمده در همین مواضع آنها را توضیح خواهیم داد .

نی آمریکا یک مانور غیر واقعی و یک تهدید توخالی است ... علاوه بسیاری از مردم ما می‌دانند که هیئت حاکمه که مناقش تا این حد با امپریالیسم گره خورده است اجازه نمی‌دهد که تجاوز نظامی امپریالیسم به خاک کشورمان را به آسانی باور کنیم ... به خلقمان هشدار می‌دهیم که یگانه شیوه دخالت آمریکا در ایران و تنها شکل حراست مناقش غارتگران بیاده کردن کلاه سبزه و تفنگداران دریائی آمریکائی نیست سیاستهای امپریالیسم ما می‌آموزد که بیوند غارتگران داخلی و خارجی همسر ، پرسود تر و بسی خطرناکتر است " چند سطر بعد ادامه می‌دهد " خلق ما باید برای مقابله با تمامی دسیسه‌های امپریالیستها و سرسپردگان مستقیم و نیز کسانی که ظاهرا ضد امپریالیستند ولی از طریق سرکوب کارگران و زحمتکشان خادم واقعی آنها هستند ، آمادگی زنی خود را حفظ نماید کسانی که می‌خواهند از ناوگان دریائی آمریکا ، غولی بسازند و تمامی وهنهارا به انحراف بکشانند و حمایت مهنوی تود مها را جلب کرده و ویا فریب توده‌های ما ، خواسته‌های ارتجاعی خود را تحویل کنند ، نمی‌توانند در صفوف خلق قرار بگیرند ، در این شرایط تاریخی ... خلق رزمند و کرد ... اجازه نخواهد داد با فریب افکار تود مهای ایران ، تمامی مسائل را هیئت حاکمه تحت‌الشعاع حملات موهومی آمریکا قرار دهد ... " در آخر اعلامیه سازمان چریکهای فدائی شاخه کردستان ، به مشخص کردن موضع خود راجع به جناح‌های هیئت حاکمه و برخورد مدافعان در زمین طبقه کارگر و تود مها در قبال آن می‌پردازد و می‌نویسد ، " در همین حال اعلام می‌کنم که در مبارزه ضد امپریالیستی صف ما از موضع دو جریان مدعی مبارزه با امپریالیسم بروشی جدا است . نخست از آن جناح از حاکمیت که در ضمن مخالفت با امپریالیسم مصلحت‌مآهیت ارتجاعی و تضری خود صد چندان بیسه سرکوب کارگران و زحمتکشان و هواداران آنها میردند

از دوازده تا بیست و یک اصل و احساسات اصیل توده ما بر ضد امپریالیسمتها برای تحکیم پایه‌های قدرت خود و - سرکوب رنجبران سو استفاده می‌نماید - و نیز موضوع ما مشخصاً در مقابل آن مدافعان در زمین طبقه کارگر مردم و توده قرار دارد که با شارل تاتسن و هورن بازی مبارزات ضد امپریالیستی توده ما را - منحرف ساخته و به بهانه ضد امپریالیست بودن این جناح از حاکمیت، ضد کارگر بودن آنها لاپوشانی می‌کند و حزب توده ایران این به اصطلاح مدافع طبقه کارگر، با سیاستهای ضد کارگری خود در عمل خادتر از سرمایه‌داران به سرمایه‌داری است آنها خود را در صف خلق جا زده و از پشت خنجر می‌زنند آنها به بهانه حمایت از موضعگیری به اصطلاح ضد امپریالیستی هیئت حاکمه از گاه کوه ساخته آشتی طبقات را تبلیغ نموده و توده ما را به تظاهرات - معنوی و خنده آمیز فرا می‌خوانند و به جای مردم برای مردم قطعنامه می‌نویسند و می‌کنند آنها از پیروان امپریالیسم مترسکی ساخته‌اند برای آشتی طبقات و برای تن دادن به حکومت سرمایه‌داران، برای بی‌فروا - موش سیردن آژدهایهای دیکتاتیک پایمال شده در ایران و حق خود مختاری خلقها آنها بر باور توده ها مکارانه نهشته‌اند و صلح دوستی و آشتی طلبی سازشکارانه را تبلیغ می‌نمایند آنها خاد میس سرمایه‌داران در صفوف خلقهای ستدیده و کارگران و رنجبران ایران هستند (تاکیدات دو خطی از متن اصلی و تاکیدات با سبک خط از ماست)

به این ترتیب مشاهده می‌کنیم که شاخه کردستان سازمان چریکیا به خلق کرد هشداری می‌دهد که فریب جناح ظاهراً ضد امپریالیست "هیئت حاکمه که دارای ماهیت ارتجاعی و قشری" است و برای تحکیم پایه‌های قدرت خود و سرکوب رنجبران از تظاهرات و احساسات ضد امپریالیستی توده ما سو استفاده می‌کند نخورد و تهدید آمریکا را جدی تلقی

نکند زیرا منافع هیئت حاکمه با امپریالیسم آمریکا گره خورده است و بنا بر این تنها شیوه دخالت آمریکا پیاده کردن سرباز در ایران نیست و امپریالیستها از طریق پیوند با فاشیست‌ها داخلی بهتر به مقصود می‌رسند و بالاخره اینکه کسانی که به بهانه موضعگیری به اصطلاح ضد امپریالیستی هیئت حاکمه از گاه کوه می‌سازند آشتی طبقات و ... را تبلیغ می‌کنند، خادمین سرمایه‌داران در صفوف خلقها و کارگران ایران هستند

آغاز نوسان

اتخاذ این مواضع در شرایطی است که هنوز گردش بر است سازمان چریکیا فدائی خلق در پیچ می‌آید طبقاتی‌ایکه در جامعه جریان دارد و در هر حلقه از روند حرکت اش ماهیت واقعی نیروهای سیاسی مختلف جامعه را بر ملا می‌کند، در تمام جوانب و به طور کامل در تمام بدنه سازمان انعکاس پیدا نکرده و تشبیه نشده بود.

شاخه کردستان هنوز در هوای مشی رادیکال (هر چند غیر پرولتری) گدشته بود و سازمان خود را پیشروترین و انقلابیترین سازمانها به حساب می‌آورد و سوار بر مرکب پیروزی آنها یک تاز میدان مبارزه میدید. اعتدالی‌انقلابی و جو بالای مبارزاتی موجود در کردستان هنوز اجازه نداده بود نظرات جدید روز - یونیستی رهبری در این بخش سازمان جذب شود. و از آنجایی که آنها به تبعیت از رهبری سازمان نخواهند (شواستند؟) شور انقلابی خود را با نوشیدن از سرچشمه ثوریهایی زوال نایب بر مارکسیسم - لنینیسم با منافع طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش پیوند دهند و سمت حرکت خویش را بسوی آرمانهای طبقه کارگر بگردانند، ذهن خود را از تفکرات غیر و ضد پرولتری پالایش دهند، پس با ناچار تفکر شبه مارکسیستی خود را در معرض توبیها و نظرات روز یونیستی

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی انقلاب دیکتاتیک ضد امپریالیستی خلقهای ایران است

(بورژوازی و خرده بورژوازی) قرار دادند و سمت حرکت خویش به سوی طبقات غیر پرولتر را حفظ کردند و بالاخره در پیج تندی از مبارزه طبقاتی و قدرت نمائی خرده بورژوازی، دچار سرکجی شده و مقهور حرکت آن شدند. آنها یکباره خود را مواجه با مسئله‌ای که تا حدی "نازکی" داشت و تغییری در مسیر حوادث که کمی غیره منتظره و پیشبینی نشده بود و سر موی و برای مدت کاملاً کوتاهی منی اصلی تکامل را تغییر داده بود - "مرد" می بینند و شعار "هدف نهائی هیچ ولی جنبش همه چیز" (برنشتین) را سر می دهند و به ناچار "سیاست روزنیستی" (که عبارت است از تعیین روش خود از واقعهای تا واقعگد یگر، تطبیق حاصل کردن با حوادث روز و با تغییرات وارد در جزئیات سیاسی، و فراموش کردن منافع اساسی پرولتاریا و

خصایر اصلی کلبه زرم سرمایه داری، و فدا کردن این منافع در مقابل منافع آبی، واقعی یا فرضی،" را در پیش میگیرند. به این ترتیب رویه‌ای که از این بیعد شاخه کردستان چریکهای فداان خلق در پیش میگیرد همان است که لنین بطور درخشانی راجع به روزنیستیم و رویزیونیستها تصویر میکند. توجه کنیم! "ریگای گل" شماره ۱ به تاریخ ۲۶ آذر ۵۸ در مسر مقاله خود میگوید "روحانیت حاکم که عنان مبارزه ضد امپریالیستی را بدست گرفته و می‌کوشد از این مبارزه جهت تثبیت مواضع خویش در قبایل سایر تنظیمهای

حاکمیت و تخفیف بحران اقتصادی - سیاسی استفاده کند، بنا به ماهیت خود نا بیگیری، تزلزل و دکانگی در تمام حرکات آن به چشم میخورد. در چند سطر بعد "این وضع (خصوصیات خرده بورژوازی سنتی و حاکمیت سرمایه داری وابسته در ایران - توضیح از

" نقل به معنی از مارکسیسم روزنیزیستیم - لنین یک جلدی ص ۲۳
 " مارکسیسم روزنیزیستیم (تاکید از ما است)

ماست) نشان میدهد که چرا آنها از انجام یک مبارزه ضد امپریالیستی اصولی ناتوانند و همچنان وحشت زده از مبارزه انقلابی کارگران و ۰۰۰ شکست انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی را از قبیل تضمین کرده‌اند"

"ریگای گل" شماره ۳ به تاریخ ۱۵ دی ۵۸ در مقاله "مبارزه ضد امپریالیستی و جنبش مقاومت خلق کرد" می نویسد "بخش عمده حاکمیت، علیرغم مواضع ضد امپریالیستی خود به هیچ وجه دارای ظرفیتی نیست که این مبارزه را در جهت منافع واقعی کارگران دهقانان و سایر اقشار خلق به پیش براند، زیرا خرده بورژوازی گرچه با سرمایه داری انحصاری در تضاد است ولی اساساً خواهان نابودی سیستم سرمایه داری نیست"

تا اینجا "شاخه کردستان" هنوز در حال نومل - نیست. به عبارت دیگر در حالیکه نسبت به مواضع اعلامیه "چه کسانی ضد امپریالیستهای واقعی هستند" دچار تردید و تزلزل شده است، ولی به قول معروف گاهی به میخ و گاهی به نعل می‌زنند. "مدعیان مبارزه ضد امپریالیستی" که "ظاهراً ضد امپریالیستند" و نمی‌توانند در صفوف خلق قرار بگیرند (اعلامیه چه کسانی ضد امپریالیستهای واقعی هستند به تاریخ ۳ آذر ۵۸) در ۱۵ دی ۵۸ دارای مواضع ضد امپریالیستی می‌شوند - هر چند از مبارزه ضد امپریالیستی اصولی ناتوانند و دارای ظرفیت پیشبرد این مبارزه در جهت منافع واقعی کارگران، دهقانان و سایر اقشار خلق نبوده (دیگر این چه مبارزه ضد امپریالیستی است؟! و خواهان نابودی سیستم سرمایه داری نیستند!

تبدیل نوسان به گردش بر است

ولی روشن است که این موضع نوسانی و بیتابیتی نمی‌توانست زیاد دوام آورد و بایستی به سود موضع انقلابی و مارکسیستی و یا موضع رفه‌ریستی و رویزیونیستی

است . شاخه کردستان چریکهای فدائی خلق به تبعیت از رهبری (جریان روزیونیستی درون سازمان) " با حوادث روز و با تغییرات وارده در جزئیات سیاسی تطبیق حاصل کرده " ، دچار " فراموشی " نسبت به منافع اساسی پرولتاریا شده ، این منافع را فدای منافع آنی ، واقعی یا فرضی نموده است و ... و خلاصه روه (سیاست) روزیونیستی پیشه ساخته است . شاخه کردستان گردش بر است را بپذیرفته است اما این تمام قضیه نیست " حرکت انطباقی " روزیونیستی شاخه کردستان و اصول کل سازمان چریکهای فدائی خلق (رهبری) هنوز کامل نشده است . هنوز سیاست روزیونیستی و روزیونیسم در تمام جوامع و نوب و زوایا و بطور کامل نفکر حاکم بر سازمان چریکها را اشباع نکرده است ، هنوز روند " انطباقی " ادامه دارد و بسوی " تکامل " ره می یابید . گرایش قسوی روزیونیستی موجود در سازمان یا استفاده از پیچیدگی و تکامل مبارزه طبقاتی درون جامعه و به همین " زمینه فکری مناسب موجود " در بدنه سازمان بطور اجتناب ناپذیر و به سرعت نظرات ضد مارکسیستی و سموم ایدئولوژیک پروژوائی را در سطح کل سازمان توسعه و گسترش می دهد . سمبگیری طبقاتی سازمان چریکهای فدائی خلق روشنتر و روشنتر می شود . به دنبال چندین ماه که از " تند پیچ " روند مبارزه طبقاتی (اشغال سفارت و جریانات بوجود آمده در ادامه آن) میگذرند ، تلاطم موجود در بطن جامعه ظاهر فروکش می کند و اوضاع کما بیش به شکل عادی بر میگردد . سازمان چریکهای فدائی خلق ترجیح بدهد جدیدی پیدا می کند : مبارزه علیه لیبرالها به عنوان دوستان و جاسوسان امپریالیسم و پایگاه عمده برقراری سلطه آن در ایران و نسبت دادن هرگونه حرکت

منظور وجود نقطه نظرات و گرایشات روزیونیستی در سازمان از گذشته دوام زدن بیشتر از طرف رهبری در طول مدت اخیر است .

شکسته میشد . چنین نیز شد هر چند این امر متأسفانه بطور منطقی (در روئیدی که حرکت سازمان چریکها به خود گرفت بود) بنبغ موضع روزیونیستی نیستی انجام گرفت . " ریگای گدل " شماره ، مورخ ۲۶ دی ۵۸ در مقاله " چرا از برقراری صلح در کردستان دفاع می کنیم ؟ " موضع رهبری سازمان (در واقع گرایش روزیونیستی سازمان) را بپذیرفته و با ارائه نظر موجود در مقاله " چرا مرکز جاسوسی ... " مندرج در کار ۳۵ چنین می گوید : " اعتقاد داریم مبارزه موجود میان خرد و بورژوازی و بورژوازی لیبرال بعنوان پایگاه امپریالیسم (۱) بر خلاف تصور ابورتونیسم چپ صرفاً یک مانور و تاکتیک جهت فریب توده ها و تحکیم مواضع حاکمیت نیست ... این مبارزه هم اکنون توده ها وسیع زحمتکشان را بیدار می کشاند و آگاهی سیاسی آنها را وسیعاً رشد داده است ... در همین حال طبقه کارگر مانع است تا آنجا که خرد و بورژوازی گرایشات ضد امپریالیست از خود نشان می دهد در مقابل لیبرالها از او حمایت نماید " (تاکید از ماست) البته مقاله متذکر می شود که طبقه کارگر باید استقلال خود را حفظ کرده و دمکراتیسم خود را نباید با ایده های مه آلود خرد و بورژوازی در هم آمیزد .

واقعاً چه گذشت که شاخه کردستان در اعلامیه ۳ آذر ۵۸ خود بطور صریح و روشن و در شماره های او ۳ " ریگای گدل " بطور ضمنی و خجالتی حرکت جناح خرد و بورژوازی حاکم را ، برای تحکیم حاکمیت و فریب توده ها و سرکوب آنها می شرد و از سو استفاده ده آن از تمایلات و احساسات ضد امپریالیستی توده ها صحبت می کند ولی یکباره (یکباره ؟) در ریگای گدل شماره ۴ در ۲۶ دی ۵۸ این نظر را " ابورتونیسم چپ " قلمداد می کند و از حمایت از خرد و بورژوائی که حرکت آن باعث بالا رفتن آگاهی سیاسی توده ها شده است دم می زند . اگر این مسئله برای خود جدا - میان " روشن نیست برای مارکسیست - لنینیستها روشن

رویزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

ضد انقلابی و ارتجاعی به آن در کار این ترجیح نهند حمایت از مبارزه ضد امپریالیستی خرده بورژوازی حاکم و تطهیر تمام حرکات ضد خلقی و ضد انقلابی آن . اما روشن است که تلاطم و مبارزه طبقاتی در عمق جامعه ادامه دارد و بازه شکل دیگری در سطح آن ظاهر می گردد و سازمان چریکهای فدائی خلق نیز دوساره دچار تلاطم و نوسان میگردد . تئوری که بر "فدائیان" حاکم است و سیاستی که ایشان دنبال می کنند نمی تواند همان مبارزه ضد لیبرالی را نیز از دیدگاه پرولتاریا به پیش ببرد و در نراز دیگری از حوادثی که سرعت در جامعه شکل می گیرد ماهیت واقعی خود را نشان خواهد داد . خواهش - نشان خواهد داد که مبارزه " ضد لیبرالیستی " فدائیان چیزی جز هیاهو و سرودهای بیش نیست و تنها پوششی است برای گردن ش به راست آنان .

تلاطم و مبارزه طبقاتی ادامه می یابد و رژیم حاکم برای تثبیت خود به چاره جویی های جدیدی می توسل میگردد . توهم توده ها به سرعت شکسته می شود و در انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات مجلس شورای تعداد رای دهندگان به نصف می رسد . در کردستان توده ها هر روز بیشتر آگاه و متشکل می شوند و مبارزه انقلابی شان گسترش می یابد هر گونه پایگاه مردمی خود را در آنجا از دست می دهد . در ترکمن صحرا دهقانان از طریق شوراهای خویش حاکمیت انقلابی شان را اعمال می کنند ، دانشگاه به سنگر ، بلاتماز نیروهای انقلابی و کمونیست تبدیل می شوند مبارزه طبقه کارگر و سایر اقشار شهری باز هم گسترش می یابد . هیئت حاکمه نتوان از حل بحران سیاسی - اقتصادی حاکم در جامعه و درگیر با تضاد های درونی (میان جناحهای آن) و تضاد های بیرونی (اختلافات با آمریکا در نتیجه مسئله کروکنا) به دنبال سرکوب مبارزات رشد یابنده توده ها و یافتن ابزارهای جدیدی برای حفظ توهم توده ها و کشاندن آنها به دنبال خویش جهت تثبیت موقعیت خود است . اولین قدم با سرکوب خلق ترکمن توسط هیئت حاکمه برداشته -

می شود سازمان چریکهای فدائی خلق به سازماندهی جهت مقاومت در مقابل یورش ارتجاعی هیئت حاکمه دست نمی زند و بعد هم توده ها را با یک مناظره و تلویزیونی دلخوش می کند و ملتسانه از بن صدر خوانده هان معرفی عاملین قتل رهبران خلق ترکمن می شود . هیئت حاکمه قصد برداشتن گام بعدی را در کردستان دارد . اما اینجا به سادگی ترکمن صحرا نیست باید برای آن تدارک دید . ابتدا تحریکات شروع می شود و فاجعه " قه لاتان " آفریده می شود . ارتش دست به نقل و انتقالات می زند . و بالاخره بهانه مناسب بدست می آید . اختلافات با عراق بالا می گیرد و هیئت حاکمه آگاهانه به آن دامن می زنند تا از این طریق اولاً ذهن توده های مردم در سرزمین سرایون متوجه " تجاوز عراق " گردد و ثانیاً توجیه مناسبی برای حمله به کردستان تحت پوشش بمباران " با تجاوز عراق " بدست هیئت حاکمه می آید .

به این ترتیب یورش جدیدی که از مدت ها پیش تدارک دیده شده بود به اجرا در می آید . اما لازم بود دانشگاه که بایستی بطور کلی " پاکسازی " میشد و برنامه آن از مدت ها پیش ریخته شده بود فوراً سرکوب شود تا صدای رسایی برای اعتراض به کشتار و سرکوب خلق کرد بلند نشود . در این بین تجاوز های کومترهای آمریکائی به خاک ایران و برنامه توطئه کرانه آنها برای بودن گروهکها ابزار تبلیغاتی دیگری در دست هیئت حاکمه قرار می دهد تا ذهن توده ها را بیاثت و آنها را به دنبال و تأیید برنامه های ضد انقلابی و ضد خلقی خویش در قبال جنبش آوج یافته خویش توده ها بکشاند . این وقایع و جریانات بر بیشتر تلاطم و مبارزه طبقاتی موجود در جامعه فراز دیگری از روند حرکت انقلاب و ضد انقلاب در جامعه ما و صف بندی و قطب بندی نیروهای سیاسی فاسد در آنست . در این فراز دو مولفه برجسته و چشمگیر است . از یکطرف انقلاب و توده های انقلابی بورژوازی و خرده بورژوازی حاکم را به هراس انداخته اند و این حاکمان برای حفظ موقعیت و منافع طبقاتی

خویش و سیما برای ممانعت از حرکت انقلابی جامعه و سرکوب آن طرح ریخته با استفاده از هر وسیله ممکن طرحشان را به اجرا گذاشته و می‌گذرانند از سوی دیگر میان حکومت و نیروهای خارجی (آمریکا و عراق) اختلافات بالا گرفته و تهدید هائی از جانب آنها متوجه این حکومت شده و ظاهراً ایران در آستانه تهدید فوری و آتی آنها قرار گرفته است.

در این میان حکومت آگاهانه و در خدمت برنامه خویش در اطراف این تهدیدها "سروصدا" به راه انداخته و با تمام قوا آنها را بسیار بزرگتر از آنچه هست نشان می‌دهد. در این بین "حزب توده" نیز با هدف مشخص هل دادن هیئت حاکمه بسوی شوروی و بلوک شرق و زمینه سازی فکری در میان مردم در این رابطه با تمام وجود در برقریر تبلیغاتی خویش می‌دست و نسبت به خطر آمریکا لایق قطع هستند. از این جهت در چنین اوضاع و شرایطی که باز پیشگی در حرکت تسلط جامعه پیدا آمده است "حرکت انطباقی" رهبری سازمان چریکهای فدائی خلق باز هم "تکامل" می‌یابد. در فراز دیگری از این حرکت ابتدا نشانه‌ها بروز می‌کند و این نشانه‌ها در شکل‌گیری خویش در نقطه‌های بحرانی نوین به طرفه راست و بسوی روزنیو-نیسم تبدیل می‌شوند و تبلور خارجی می‌یابند. البته در این میان بطور طبیعی همچنان نوسانات و گج - سری‌های موجود در نظرات سازمان چریکهای فدائی خلق به وجود خود ادامه می‌دهند که در عین حال بیانگر عدم یکپارچگی و یگانگی خط مشی سازمان چریکهای فدائی خلق است. اما روشن است که نظرات حاکم و روندی که نظرات سازمان چریکهای فدائی خلق طی می‌کند، همان "حرکت انطباقی" است و سمت گیری آن بسوی روزنیو نیسم عیانتر می‌شود.

در اواخر سال گذشته (۵۸) و اوایل سال جدید ترجیح بند سازمان چریکهای فدائی خلق در رابطه با هیئت حاکمه عبارت است از افسشای دست

و جاسوسان امپریالیسم در هیئت حاکمه که خواهان ممانعت از مبارزه ضد امپریالیستی و کندن آن هستند و در رابطه با کردستان انشای محافل جنگ افروز که می‌خواهند جنگ دیگری را به خلق کرد تحمیل کنند. البته این دوستان و جاسوسان امپریالیسم در هیئت حاکمه علی‌العوم همان "محافل جنگ افروز" هستند. دوستان و جاسوسان امپریالیسم و محافل جنگ افروز را اعلامیه شاخه کردستان به مناسبت ناجعه "قلاتان" بتاريخ ۱۷/۹/۵۹ اینگونه معرفی می‌کند "اینک شواهد و مدارک زیادی در دست است که نشان می‌دهد که نوکران امپریالیسم که در درون شورای انقلاب ارتش و پاسداران جاسوسان خودگردانند، جنگ خونین دیگری را به خلق ما تحمیل خواهند کرد" و در همان اعلامیه افسانه می‌کند "توطئه‌های امپریالیستی در کشور روز به روز ابعاد گسترده‌تری پیدا می‌کند. تحمیل مجدد جنگ به خلق کرد یکی از این توطئه‌هاست آنها می‌خواهند مبارزات ضد امپریالیستی مردم میهنمان را منحرف کنند تا پیش از این بازرگانها، بهشتی‌ها و خانمهای مدنی‌ها و ۱۰۰۰ این جاسوسان امریکایی برای مردم افشا نشوند".

در "خبر" نشریه دفتر تندج شماره فوق العاده در خبر مربوط به مستندج بتاريخ ۲۹/۱۱/۵۸ محافل مذکور را اینگونه معرفی می‌کند: "۰۰۰ به تحریک شورای انقلاب (این ارگان سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم) فرماندهان مزدور ارتش ضد خلقی و قشربون مرتجع، پاسداران و جاشها به کامیاران بی‌ورش برده و ۰۰۰ به اشکال مختلف می‌کوشند جنگ دیگری را به مردم ما تحمیل کنند".

آنچه فدائیان در نقل قولهای فوق می‌خواهند بگویند اینست که جناحی در هیئت حاکمه است که دوست و جاسوس امپریالیسم است و خواهان برافروزی ختن جنگ در کردستان است. طبق ترجیح بند

پیش بسوی مبارزه آیدنولوزیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی

فدائیان" در این دوران مبنی بر ضرورت انشای لیبزالها بعنوان پایگاه عمده امپریالیسم، این جناح همان جناح بورژوازی هیئت حاکمه است.

جناح دیگری نیز وجود دارد که دوست و جاسوس امپریالیسم و جنگ افروز نیست که منطقی (منطقی فدائیان) بایستی جناح خرده بورژوازی حاکم باشد. ما فعلا به این نمی‌پردازیم که از فدائیان بیرسم نمایندگان سیاسی خرده بورژوازی مسلح طلب، بنحی از خمینی در حکومت چه کسانی هستند و چرا آنها را معرفی نمی‌کنند. منظور از "تشریح" یون مرتجع ("ضد امپریالیست؟) چه کسانی هستند و چگونه نوکران امپریالیسم در شورای انقلاب (و "دولت") ارتش و پاسداران جا خوش کرده‌اند یعنی همان امور را در دست دارند. ولی "خرده" بورژوازی در حکومت دست بالا را دارند. "مسئله" فعلا از این آشفته فکری و گجج سری و ابهام گویسی می‌گذریم تا ببینیم مواضع سازمان جریمکهای فدائی خلق چگونه سیر می‌کند و روند "انطباقی" آن به کجا می‌رسد.

چگونه گردش سه راست به "انطباقی" کسب حاصل نزدیک می‌شوند.

نگاهی به شماره‌های مختلف "کار" در اوایل سال ۵۸ و اوایل سال ۵۹ نشان می‌دهد که بتدریج نظرات سازمان جریمکهای فدائی خلق بیش از پیش از موضع انقلابی تنب می‌شود و رنگ مارکسیستی سابق خود را از دست می‌دهد. به عبارت دیگر نظرات فوق هر چه بیشتر بسوی تحریف واقعیات و وارونه جلوه دادن آنها در رابطه با هیئت حاکمه و ماهیت و عملکرد آن بود نتیجه تبلیغ آنتیستی طبقاتی سوق پیدا می‌کند. انشای "دوستان و

"- رنگی گول" شماره ۳ - ۱۰ دی ماه ۵۸ مقاله "مبارزه ضد امپریالیستی و جنبش مقاومت خلق کرد"

جاسوسان امپریالیسم" و "مخالف جنگا فروز" و لیبزالها (با همان مضمون که در انتشارات قبلی شک بود) کم کم رنگ می‌بازد و به یکسری انتقادهای آبیکی و نصیحتهای لیبرالی به هیئت حاکمه کشید. می‌شود و به موازات آن استدلالات نوع حزب توده‌های شکل هر چه آشکارتری در نوشته‌های آنها پدید می‌آید. آن نیروی اصلی سرکوب کننده انقلاب و نیروهای انقلابی دیگر نه هیئت حاکمه و نه حتی "دوستان و جاسوسان امپریالیسم" و "جناحهای جنگ افروز" بلکه دستجات یالیزبان و اویسی "ویا" و ایستگان به عراق "معرفی" می‌شوند و تهدید واقعی برای شکست انقلاب و برقراری سلطه کامل امپریالیسم نه ناشی از عملکردها و برنامه‌های گروه اول بلکه مستقیما و جدا از واقعیات موجود در جامعه و حرکت هیئت حاکمه از جانب گروه دوم و تلاشهای مذبحخانه آنها نشان داده می‌شود.

کار ۱۷/۵۷ اردیبهشت در مقاله خود تحت عنوان "سیسمهای آمریکا و دوستان و جاسوسان آن دانه وسیعتری می‌گیرد" دیگر کوچکترین صحبتی از شورای انقلاب و رئیس جمهور به عنوان دوستان و جاسوسان آمریکا نمی‌کند. در این نوشته صحبت از حرکت امپریالیسم آمریکا برای "بقتدرت رساندن دوستان و جاسوسان خود" میشود و تنها از "نعمالیتها و اقدامات نفاق انگانه حزب جمهوری اسلامی و سایر مخالفی که خون شهیدای خلق را ریشقه آرمانهای فرصت طلبانه و قدرت طلبی خود قرار داد مانند" کلمه می‌کند و می‌گوید "این مخالف به جای مبارزه با امپریالیسم آمریکا دانشجو - میان انقلابی دانشگاهها را به خون می‌کشد" به جای انشای "سیسمهای دشمنان مشترک همه مردم، یعنی امپریالیسم آمریکا و متحدان داخلی آن علیه نیروهای انقلابی" به هر اقدامی دست می‌زنند "واقعا رهبرای فدائیسان" خود می‌دانند چه می‌گویند و دیروز چه گفته است.

دوستان و جاسوسان (یا به قول شاخه کردستان توکران امپریالیسم) که در درون شورای انقلاب ارتش و پاسداران جا خوش کرده بودند و شوروی انقلاب که "ارگان سیاسی سرمایه داران وابسته به امپریالیسم" بود، پس چگونه امپریالیسم می خواهد دوستان و جاسوسان خود را بقدرت برساند؟ چگونه شد که دوستان و جاسوسان و توکران امپریالیسم فقط نفاق افکنی می کنند و به فکر آریانه های فرصت طلبانه و قدرت طلبانه هستند؟ چگونه مارکسیستها "اصولی" ما از "دوستان و جاسوسان و توکران - امپریالیسم" خواهان. مبارزه با امپریالیسم آمریکا و انشای دشمنان مشترک همه مردم شدند؟ اگر از این همه آشفته فکری و گیج سری در واقع از این همه ابورتوئیسم بگذریم که چگونه رهبری سازمان چر - یکهای فدائی خلق بیرون کوچکترین توضیح و انتقاد از خود هفته به هفته مواضع خود را عوض می کند و به روی مبارک خود هم نمی آورد باید بگوئیم این مواضع نوین چیزی جز بیان تزیین کرد شده راست و انطباعی باز هم بیشتر مشی و مواضع سازمان چر یکهای فدائی خلق بر روی بویسم و فرقیسم نیست در شرایطی که هیئت حاکمه با تمام قوا به سرکوب انقلاب و نیروهای انقلابی پرداخته و خود ش دست امپریالیسم آمریکا و عوامل رنگارنگ آن را برای تجاوز و توطئه باز گذاشته است و در خدمت اهد اف آن قرار گرفته است در سر قفا -

خبر شماره ۲۲ سندنج به تاریخ ۲۸/۲/۵۹ می - نویسد "شورای ضد انقلاب و رئیس جمهور جنگ طلب با بیبودن راه درازی که خود در پیش گرفته اند ۴۰۰۰ اکون ۰۰۰ به سسطه و توجیه روی آورده اند." خبر شماره ۲۰ سندنج مورخ ۱۴/۲/۵۹ مینویسد "آنها (فرماندهان جنگ افروز) مسئولین جنگ طلب مملکت - توضیح از ماست (سیاست هوجی و چماق را بکار بستند و وند میدهند و سرکوب می نمایند ولی خلق آگاه کرد را نمی توان فریب داد مردم ما فریب و تیرنگ این حاکمین و عوامل وابسته به امپریالیسم را بخوشی در کرد کرد ماند."

خبر شماره ۶۴ سندنج (۸/۲/۵۹) مینویسد: "خلقهای میهنمان اکنون به خوبی به ماهیت ضد خلقی شورای ضد انقلاب و عوامل امپریالیسم پی بردماند" خبر شماره امپادیات تاریخ ۸/۲/۵۹ مینویسد "بنی صدر و شورای انقلاب و دیگر دوستان و جاسوسان امپریالیسم با دسیسه جینیسمت مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا را تغییر داده و ۰۰۰ و چند سطر بعد اضافه می کند "اینک بنی صدر و شورای انقلاب قدم در راه شاه نهادماند" خبر شماره ۵ مهاباد بتاريخ ۶/۲/۵۹ در خبر راجع به طبعیسم می نویسد: "توکران و وابستگان به امپریالیسم که از عادی گردن رابسته با امپریالیسم آمریکا ناامید شدند و ۰۰۰ با توطئه جینی طرح حمله به دانشگاهها و نیروهای

جامعه و صاف بند بیهای درونی آن ترسیم کند. این چنین رهبری سازمان چر یکهای فدائی خلق کام به کام به سوی رویزیونیسم نزدیک می شود و لسی انعکاس آن در همه بدنه سازمان یکسان نیست. شاس -

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

این جو "خصوصیت" جدال مداوم به تنگ آمد ماند و خواهان محیط "صلح و صفا" و "مبارزه ضد-امپریالیستی متحدانه همه نیروها" هستند. و در واقع تزلزل و ناپایداری و ماهیت مثنی و تفکر خود ریاکارانه و خواستگاه طبقاتی خود را در مبارزه سخت طبقاتی نشان می دهند.

و دیدیم چندین جنبه فکری نگذشت که "گار" ۵۹ بویژه در مقالات "برای مقابله با امپریالیسم آمریکا اتحاد همه زحمتکشان یک ضرورت تاریخی است (سرمقاله)"، "سخنان رئیس‌جمهور و تلاش‌ها برای استقرار صلح عادلانه در کردستان" و "کارگران باید با افزایش تولید و بهره‌وری کار مانع تبلیغات نفاق انگذانه دشمنان خود شوند" نقطه عطف و حرکت "انطباق" سازمان چریکهای فدائی خلق و حاکمیت جریسان روزنیونیستی در این سازمان را اعلام نمود و بفاصله یک هفته در حرکت عملی سازمان چریکهای فدائی خلق در ارتباط با کردستان در انتشار پیام مشترک با حزب دمکرات کردستان و مواضع بغایت تسلیم طلبانه و انحرافی آن متبلور گردید. سازمان چریکهای فدائی خلق در پیام مشترک "گار" ۵۹ پرچم سفید تسلیم و سازش را به اهتزاز در آورد و همه نیروهای ضد انقلابی و ارتجاعی از هیئت حاکمه گرفته تا "حزب توده خائن" را به شوق و شعفا واداشت. "حزب توده" دورنمای "روشنی" را در مقابل خوش‌مشاهده نمود و با تمام قوا به دفاع از "دستاوردها" نیویسن سازمان چریکهای فدائی خلق "و تعمیق آن بلند شد."

رهبری سازمان چریکهای فدائی خلق

در حرکتی شتابان

بمسوی "حزب توده"

ما برای نشان دادن اینکه رهبری سازمان چریکهای فدائی خلق با روی آوردن به بنی صدر را از

انقلابی را بدست آیدای حزب جمهوری اسلامی به مورد اجرا گذاشته و به منحرف کردن مبارزات ضد امپریالیستی پرداختند. (تأکیدات همه جاسازماست)

مثل اینکه شاخه کردستان سازمان چریکهای فدائی خلق هنوز "نمی‌دانست" رهبری سازمان دست از "چپ روی" مبرداشته و دیگر نباید از شوروی ضد انقلاب با ماهیت ضد خلقی بعنوان جاسوسان - دوستان امپریالیسم که قدم در راه شاه گذاشته اند و علیه نیروهای انقلابی و مبارزات خلقها توطئه میکنند و مبارزات ضد امپریالیستی تودما را به انحراف می‌کشانند صحبت نمود و فقط بایستی از "نفاق انگذی" های حزب جمهوری اسلامی گلوه کرد. آنها را محترمانه نصیحت کرد که چرا بسا امپریالیسم آمریکا مبارزه نمی‌کنند و دسیسه‌های دشمنان مشترک مردم را افشا نمی‌سازند! شاخه کردستان هنوز "شوجه نشده" که رهبری سازمان بهسروقت در حال تکمیل "انطباق" حرکت خود (با روزنیونیسم) و نشان دادن ایده آشتی طبقاتی بجای مبارزه طبقاتی است.

اما این "بی توجهی" و "عدم اطلاع" زیساد طول نخواهد کشید، رهبری سازمان با یک چرخش آشکار که دیگر هر بجه مد رسمای نیز مترجه آن خواهد شد و پشت سرگذاشتن نقطه عطفی در حرکت خود بسوی روزنیونیسم، شاخه کردستان و همه "بی خبران" را متوجه غلطیدن خود در رهرونیسم و روزنیونیسم خواهد ساخت. ظاهرا "شرایط مناسبی" بسوی انجام قطعی گردش به راست فراهم آمده است. بورژوازی لیبرال و نماینده مکار آن بنی صدر در باغ سبز نشان داده است و قولهای مساعذی در صورت به "سرمقال آمدن" به "رهبران" داده است بحلاوه فشار سرکوب حکومت تاب "پرولتری" (رهبران بخش‌دهنده جنبش کمونیستی) ما را طاق کرده است و آنها را از "درگیرهای بیبهد" و "گمشده" های خرد کننده "خسته کرده است. آنها از

شاخه حمایت از خرد و بورژوازی به شاخه حمایت از بورژوازی بریده است و در نتیجه " مبارزه " آن علیه لیبرالها بعنوان گروستان و جاسوسان امپریا - لیسم چیزی جز هیاهو و داد و قال برای پوشاندن کردش به راست (سوسیوینویسم) نبوده است، دیگر وارد برخورد مفصل و مشخص به نظرات " کار ۵۹ " در ارتباط با کردستان و همچنین " پیغام مشترک " نمی شویم، در ادامه مقاله ما تنها برای نشان دادن روشنگرانه ماهیت ریزینویستی گرایش چاکم بر رهبری سازمان چریکها که مضمون آن همان سازش با بورژوازی است به مقایسه ای میان نظرات اخیر سازمان چریکهای فدائی خلق در رابطه با کردستان با نظرات " حزب توده " در این زمینه می پردازیم و در آخر نیز مفهوم " صلح طلبی " و صلح عادلانه ای که امروز این سازمان بعنوان ترجیح - بند خود در رابطه با کردستان قرار داده است را در پرتو مارکسم - لنینیسم مورد بررسی قرار خواهیم داد

" حزب توده " به سیاقی همیشگی خود به دلیل ماهیت ارتجاعی همواره کوشیده و واقعیات را وارونه یا مخدوش جلوه دهد تا ذهن توده ها را نسبت به دوستان و دشمنان انقلاب منحرف سازد و راه را برآفتاق اهداف ضد خلقیش باز نماید . برخورد این داور دسته به جنبش مقاومت خلق کرد و نیروهای

" توضیحات همین مقاله راجع به روند فکری سازمان چریکهای فدائی خلق و همچنین بیانیه کمیته کردستان سازمان ما راجع به " پیغام مشترک " بحلاوه اعلامیه " چگونه سازمان چریکهای فدائی خلق برای برقراری صلح عادلانه در کردستان تلاش می کند ؟ " به حد کافی روشنتر هستند و لزیم تکرار آن نیست و رفق را به این بیانیه (مندیج در پیکار ۱۵۸ و اعلامیه فوق مراجعه میدهم .

سیاسی آن از ابتدا و همواره بر این مبنا قرار داشته و به جرات میتوان گفت هر فرد صادق و مبارزی میتواند به سادگی از روی برخورد آن به مبارزات خلق کسوف به ماهیت و منشی ضد انقلابی و ضد خلقی " حزب توده " بی بیورد . یکی از آخرین برخوردهای " حزب توده " به اوضاع کردستان و جنبش مقاومت خلق کرد مقاله " در کردستان چه می گذرد " مندیج در " نامه مردم " شماره ۲۵۰ است . در این نوشته نویسنده گان آن موزانه می گویند و واقعیت مسلم در کردستان یعنی مقاومت و مبارزه خلق کرد در مقابل یورش و سرکوب هیئت حاکمه را بصورت فعالیت عناصر سرسپرده و مسز دوران امپریالیسم مانند پالیزسان و -

اویسی و وابستگان به رژیم فاشیستی عراق جلوه دهند و سرکوب جنبش مقاومت خلق کرد را توجیه کنند . یعنی همان تبلیغات ارتجاعی هیئت حاکمه را به خسوف مردم می دهند . " حزب توده " وقاحت را در این مقاله به اوج رسانده و می گوید " امروز کردستان بصورت بهترین سنگر عملی و علقی ضد انقلاب ایران در آمده است " رنجبری سازمان چریکهای فدائی خلق نیز که اکنون تسلیم طلبی و سازش را در دستور کار خود قرار داده است ، امروز همین تبلیغات ضد انقلابی را البته بصورت خجولانه در کار الا خود تکرار میکند و در سرمقاله کار الا می گوید " فرماندهان فراری ارتش از قبیل اویسی ، پالیزبان به کمک سرما - پد اران فراری و امپریالیسم جهانی هزاران (؟) !

مزدور را سازماندهی کرده ، تلاش دارند بجا بپروند . گری از نارضایتی هائی که وجود دارد . بویژه در بخش های از غرب ایران (کردستان - پیکار) یک پایگاه دائم ضد انقلاب مستقر سازند " (تاکید اناز ماست) و در چند سطر بعد اضافه می کند " بسر چنین زمینهایست که سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ، با احساس مسئولیت تمام و با تاکید بر خطرات جدی که جنبش ضد امپریالیستی میلیونها زحمتکش ایران

مارکسیسم - لنینیسم را پیاموزیم و بکار بندیم

" صلح طلبی " ریزیونیستی

۲

صلح از دیدگاه مارکسیسم - لنینیسم

و اما راجع به "صلح طلبی" ای که رهبری "فدائیان" آنقدر از آن دم می‌زنند و اصولاً برخورد مارکسیستها با مسئله جنگ و صلح لازم است مختصری صحبت کنیم. رهبری "سازمان فدائیان" که رسالت رهبری جنبش کمونیستی را برای خود قائل است و از روی "مسئولیت می‌خواهد" به جنگ در کردستان خانه دخت نه از زاویه‌های مارکسیستی و انقلابی بلکه از زاویه‌های ریزیونیستی و تسلیم‌طلبانه با این مسئله برخورد می‌کند. این امر مسلم و روشنی است که نیروهای سیاسی فعال در کردستان هیچیک (البته از زاویه‌های مختلف) خواهان شروع جنگ در این مقطع نبوده و این هیئت حاکمه ضد خلقی بود که به دلایلی که نیلا ذکر کردیم جنگ را بر خلق کرد و نیروهای سیاسی آن تحمیل نمود. اینرا "سازمان فدائیان" نیز قلاً بارها و بارها بیان کرده است. بنا بر این تنها یک مضمون مبتذل است که "سازمان چریکها" با "مسئول" - خواندن خود (و حزب دمکرات) می‌خواهد التماس کند که نیروهای دیگر (کومله، پیکار و...) غیر "مسئول" و به اصطلاح "جنگ طلب" یا "جنگ افروزند" بنا بر این مسئله بر سر "مسئول بودن و بیگانه افروز بودن نیست، مسئله بر سر درکی است که هر نیرو از برقراری صلح و قطع جنگ اراغی می‌دهد و مشی است که چنین درکی از آن ناشی می‌گردد. مسئله اینست که آیا آگاهی به ماهیت نیروهای درگیر و آنچه درگیری بر سر آن بوجود آمده به شیوه‌های انقلابی "صلح" را جستجو می‌کنیم و عمل می‌نماییم و تودمها را با این آگاهی و شیوه آموزش می‌دهیم یا درین سازش و تسلیم به قیمت تریسب تودمها و وارونه جلوه دادن حقایق برای آنها به گدایی "صلح" می‌رویم و پیشانی به درگاه

را در مخاطره قرار داده است به تلاش همه جانبه برای قطع فوری جنگ و خونریزی در کردستان دست زده و مصمم است با همکاری نیروهای مرتجع و مسلح طلب خلق کرد، برای استقرار صلح عادلانه در کردستان بیش از پیش کوشش کند. اگر بخوایم مفهوم جملات فوق را از صورت شرمینانه آن در آروم و نظرس واقعی نهفته در آنرا بطور صریح بیان کنیم جمله فوق چنین می‌شود جنبش مقاومت خلق کرد جنبش ضد امپریالیستی میلیونها زحمتکشان ایران را با خطرات جسدی مواجه کرده و بنا بر این لازم است با تمام قوا به آن پایان داد و مانع شد کردستان که پایگاه ضد انقلاب شده است بصورت پایگاه دائم آن درآید!! اینست مفهوم واقعی نظر رهبری سازمان چریکهای فدائوسی خلق که همان تبلیغات ارجحی "حزب توده علییه" جنبش مقاومت خلق کرد و تکرار آن بصورت خجولانه است.

اینست چرخش فاطمانه این رهبری بسوی ریزیونیسم و رفرمیسم و غلطیدن در ورطه تسلیم و سازش خوشت آفتابان مارکسیستهای "امولی" جواب دهند که چگونه در کار ویژه کردستان شماره ۳۰ تاریخ ۱۴ اردیبهشت ۵۸ اظهار می‌کنند "پایداری خلق کرد در برابر تهاجم وحشیانه ارتش بخشی از پایداری همه خلقهای ایران در برابر امپریالیسم آمریکا و همه متحدان داخلی آن است" و "مبارزه و مقاومت در مقابل تهاجمت وحشیانه ارتش در کردستان یعنی ضربه زدن به امپریالیسم و کمک به پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک توده‌های پیا خواسته ما و امروز این مبارزه و مقاومت را بعنوان خطی برای جنبش ضد امپریالیستی میلیونها زحمتکش و ۱۰۰ قلمداد میکنند که باید هرچه زودتر به آن خاتمه داد؟ آیا جستز اینست که این منافع طبقاتی رهبری سازمان چریکهای فدائی خلق است که در اثر اراج گویی و رشد جنبش مقاومت و مبارزه انقلابی خلق کرد دچار مخاطره شده است؟

وقتی جنبش مقاومت در سطح توده‌ها گسترش یابد و ضربات بی دریغی بر پیکر نیروهای سرکوبگر رژیم وارد کردید و آنها را در آستانه شکست کامل قرار داد (بسط دامنه انقلاب) هیئت حاکمه مجبور به اعلام آتش بس و لزوم برقراری "صلح" گردید و پدید می‌آید تنها در نتیجه این مقاومت و مبارزه بود که برای مدتی ماشین سرکوب هیئت حاکمه در کردستان از حرکت باز ایستاد، امروز نیز طبق احکام مارکسیسم - لنینیسم و تجربه مشخص جنبش مقاومت خلق کرد تنها با بسط دامنه جنبش (انقلاب) در کردستان و در سراسر ایران است که میتوان ماشین جنگی هیئت حاکمه را متوقف و بالاخره نابود ساخت و صلح واقعی را برای توده‌ها کسب نمود.

در این صورت دیگر جست‌وجوهای رهبری سازمان چریک‌های فدایی خلق در هیئت حاکمه بدنبال جناح "محافظ صلح طلب" و حسن استقبال آن از گفته‌ها و اقدامات این محافل و سردادن فریادهای صلح طلبانه و نصیحت‌های "دلسوزانه" و "مسئولانه" آن به این محافل چیزی جز تسلیم طلبی و سازشکاری چیزی جز فریب توده‌ها، چیزی جز ایورتونیم و ریزینونیم و سر فرود آوردن در مقابل بورژوازی و دست کشیدن از مبارزه انقلابی نیست - برخورد های کنونی سازمان چریک‌های فدایی خلق به جنگی که اکنون در کردستان درگیر است جدا از سایر برخوردها و مواضع این سازمان در رابطه با مسائل دیگر کردستان و کسب این مواضع جدا از شی حاکم بر این سازمان نیست

ما می‌گوئیم در شمارهای بعدی پیکار کردستان به برویی سایر جوانب حرکت سازمان چریک‌های فدایی خلق (گذشته و حال) در رابطه با کردستان از جمله برخورد آن نسبت به هیئت نمایندگی خلق کرد و نیروهای سیاسی فعال در کردستان پیگردانیم

بورژوازی می‌سازیم. مسئله اینست که آیا ما بعنوان کمونیست ماهیت طبقه‌ای - که دست به جنگ می‌زند و سیاستی که جنگ ادامه آنست را برای توده‌ها توضیح می‌دهیم و چگونگی بدست آوردن صلح واقعی را به آنها می‌آموزیم با بعنوان لیبرال و تسلیم طلب بر همه اینها سرپوش می‌گذاریم و فریاد "صلح طلبی" و "قطع جنگ" برادرکنش "سر می‌دهیم" نین می‌گوید "ما باید بتوانیم این مطلب را به توده‌ها توضیح دهیم که شاخص جنبه سیاسی و اجتماعی جنگ "حسن نیت" افراد و دستجات از جمله آقای بنی صدر و محافل "صلح طلب" هیئت حاکمه - پیکار کردستان، و حتی توده‌های مردم نبود، بلکه وضع طبقه‌ایست که جنگ می‌راند، سیاست این طبقه است که جنگ ادامه آن می‌باشد (وظایف پرولتاریا در انقلاب ملیک جلدی ص ۱۱) تأکیدات از لنین (۱) همچنین لنین در مقاله "نحستین کنگره" کشوری شوراهای نمایندگان کارگران و سربازان میهن - یسد "هر قدر که شما خواهان صلح باشید، هر قدر هم که محدودی شما نسبت به زحمتکشان و نمایندگان شما نسبت به صلح صادقانه باشد ۰۰۰ باز هم ناتوانید، زیرا جنگ را جز از راه بسط آنی دانسه انقلاب از طریق دیگری نمی‌توان پایان داد" (یک جلدی ۰ صفحه ۱۷۸ تأکید از ماست)

بنا بر این می‌بینیم که بر خلاف رهبری سازمان فدائیان از نظر مارکسیسم - لنینیسم اولاً آغاز یا خاتمه جنگ را نه "حسن نیت یا حسن نیت این یا آن فرد یا دسته‌ای از افراد (محافل) بلکه وضع طبقه‌ای که جنگ می‌راند تعیین می‌کند و این جنگ هم ادامه سیاست آن طبقه است و ثانیاً برقراری صلح (واقعی) را نه "حسن نیت" (رهبری سازمان چریک‌های فدایی خلق) و نه شناها و خواهش‌های آن از هیئت حاکمه بلکه تنها بسط دامنه انقلاب است که به ارغمان می‌آورد. صحت این حکم داهیهانه لنین را ما بطور زنده و روشنی در تجربه همین جنبش مقاومت خلق کرد در سال گذشته دیدیم. دیدیم که چگونه

مبارزه دهقانان "سلیمان کندی" ...
 ... زندگی پر زنجشان تمام شده،
 بهتر از گذشته زندگی خواهند نمود و دیگر مجبور نخواهند بود از
 خانه و کاشانه خود آواره شوند. فکری کردند که
 بالاخر آنها هم ظلم و ستم مالکان ده روزم شاه تمام
 شده و آنها می توانند صاحب زمین، آب، بذر و
 وسایل کشاورزی باشند و بر روی زمین خود شکار کنند.
 این زحمتکشان در انتظار بر آورده شدن حقوق
 خود بودند ولی تنها و تنها بودند و وعده های رژیم
 جمهوری اسلامی را می شنیدند. هنوز چشم
 بدولت داشتند تا اینکه این رژیم به سندیج حمله
 کرد، آنجا را به خاک و خون کشید و توطئه علیه
 خلق کرد و گسترش داد. دولت حاکم به هر کسی
 که حق می خواست "ضد انقلاب" می گفت و برای
 خلق کرد "تجزیه طلبی" را به آن علاقه نمود.
 وضع اقتصادی مملکت آنقدر خراب می شد که زحمت
 کشان کرد نیز در شهر های بزرگ و کوچک ایران
 دیگر کاری پیدا نمی کردند. دهقانان فقیر و خویش
 نشینان دهات، دیگر آهی در سینه نداشتند، بهر
 حال حکومت نه تنها بفرغ زحمتکشان کرد کاری انجام
 نمی داد بلکه با حمله بگردستان همه جا را بران می
 ساخت و با محاصره اقتصادی، بیشترین فشار را بدوش
 زحمتکشان از جمله دهقانان ستم دید می انداخت.
 با یورش های وحشیانه دولت بگردستان مبارزات
 در گردستان اوج می گرفتند ستاوردهای انقلاب ایران
 را گسترش میداد. رشد مبارزه در منطقه باعث بالا
 رفتن آگاهی توده ها میبند. دهقانان مبارز کسود
 نیز در این مبارزات شرکت میکردند و با عناصر مبارزان
 جمله پیشمرگان تماس میگرفتند. به این ترتیب آنها نیز
 بتدریج به مناسف خود آگاه میشدند و بتدریج
 متوجه میشوند که این رژیم برای آنها کاری نخواهد
 کرد. آنها یاد بگیرند و ستم مالکان ده و دولت جمهوری
 ری اسلانی را تحمل نمی کردند. دهقانان "سلیمان
 کندی" جزو این دسته از زحمتکشان گردستان بودند

کعلیه ستم مالکان ده به مبارزین خاستند. بیستم آنها در
 چه شرایطی زندگی می کنند و چگونه علیه مالکان
 مبارزه می نمایند:

روستای سلیمان کندی در ۳۰ کیلومتری شهر
 سقز است. در این آبادی ۴۰ خانوار خوش نشین و
 ۳۰ خانوار کشاورز و سخانواران این زندگی می
 کنند. اکثریت جمعیت با خوش نشینان است که در
 فقر و بد بختی روزها را به شبی رسانند. زندگی
 دهقانان فقیر به سختی می گذرد. بدترین زمینها
 در اجاره این دهقانان است و بعضی از آنها حتی
 صاحب یکدرخت هم نیستند. سالهای گذشته
 خوش نشینان و حتی بعضی از کشاورزان کم زمین
 در تهران، رفسنجان و سایر شهرها کار می کردند
 تا خانواده خود را از گرسنگی نجات می دادند و لوسی
 در یکسال گذشته در این شهرها کار کم پیدا میشد
 و کارگر بیکار هر روز بیشتر میشد. به این علت
 خوش نشینان و دهقانان فقیر "سلیمان کندی" دیگر
 به شهرهای دور نمی روند و در اطراف آبوکان، سقز و یادز
 خود آبادی دنبال کار میگردند. بعضی از این
 زحمتکشان ماهها سنگ می کارند و بقول خود شان حتی
 پانکیلو خوار و بار در خانه شان پیدا نمی شود. در مقابل
 این زحمتکشان، اربابان زندگی متوسطی دارند. طبق
 اصلاحات ارضی "رژیم شاهخائن، زمینهای دیسی
 و آبی مرغوب در اختیار آنها قرار گرفته اند. اکنون
 در این زمینها درختان میوه، چنار، بید کاشته اند.
 این مالکان با رژیم شاه هم دستبندند و با رژیم جمهوری
 ری اسلامی نیز همکاری ندارند و نسبت به جنبش
 مقاومت هم بی تفاوت اند. با این وجود به روستائیان
 ظلمهای زیادی کرده اند و زحمتکشان "سلیمان کندی"
 کینه شدیدی نسبت به مالکان ده دارند و منافع
 خودشان را در تضاد با آنها می بینند.
 دیدیم که این روستائیان از افشار مختلف
 هستند. بعضی کارگر بیکارند، بعضی زمین کسی

مبارزه ملی از مبارزه طبقاتی جدا نیست

دارند و بعضی دهقانان میان حال هستند - هر کدام از این اقشار منابع خاصی دارند و نمی توانند بعنوان طبقه، سیاست و برنامه خاص داشته باشند و پیوسته بسیار قادر نیستند خود را از دست طبقه‌ای برهانند - بهمین دلیل به سازمانهای سیاسی و روشنی می‌شوند - در این رابطه، دهقانان "سلیمان کدی" در اوایل بهار ۱۹۰۹ از پیش‌رگان سازمان بیکار خواستند - که در صادره زمین و زمین آنها را کلاکتند - پیش‌رگان سازمان بدعت این روستائیان به آبدی رفتند - آنها را اولین برخورد بدیدند که اکثر روستائیان خواهان صادره زمین، پیشه مالکان هستند و در میان آنها خوش نشینان قاطعه و نخواهان بگیری می‌باشند - پیش‌رگان روی ضرورت وجود آمدن شورای روستائیان تاکید کردند - دهقانان خواستند که پیش‌رگان شورا را تشکیل بدهند ولی از اینکار امتناع کردند - به نظر آنها اگر کارهای این ترتیب بچربی درست در واقع شورا بصورت طبقه‌های مردمی شمشیر در دست آمد آنها، نقد بردند که دهقانان باید از روی نیاز واقعی به لزوم داشتن تشکیل برنخستند و آنها با کار سیاسی - تبلیغی در میان مردم آبادی این حرکت را ترویج خواهند نمود -

در همین روز دهقانان در مورد ترکیب شورا بحث کردند - بین زمینها شرکت کشاورزان را در شورا جایگزین ندانستند و معتقد بودند که کشاورزان قاطعیت نخواهند داشت و همسایل خوش نشینها هم توجه لازم نخواهند کرد - در این صحبت، دهقانان میان حال و تقییر بیشتر مسئله سن و ثروت اعضای شورا را هم چسبیده دادند و گفتند که اعضای شورا، چنین مشخص باید داشته باشند - بهمین ترتیب کشاورزان ترس و ترسارل خود را نسبت به کارگران روستائیان دادند - پیش‌مرگان بیکار به محافظه‌کاری کشاورزان اشاره کرده و تند روی خوش نشینان را هم نادرست ارزیابی کردند - آنها برای صادره روستائیان زمینهای مالکان، اتحاد تمام دهقانان را ضروری دانستند و روی آن تاکید کردند -

بعد از چند روز، اعلیٰ سلیمان کدی "شورای ۷ نفری" تشکیل دادند این ۷ نفر خوش نشین و کشاورز بودند - پیش‌رگان این شورا را تائید کرد و موازات پیشینان نمودند - آنها بر این عقیده بودند که با وجود خوش نشینان در این شورا، این تشکیل - بنوعی يك تشكل توده‌ای واقعی را بهد خواهد نمود - بعد از تشکیل این شورا، کار صادره در ختای و زمینها شروع شد - سیاست شورا نسبت به مالکان در ادر میس بود - برای؟ گفتیم مالکان در "حاشی" نبودند ولی، بر روستائیان تمیز داد میگردند - باید راهی انتخاب میشد که اولامهت این مالکان را روشن نمیدانند آنها باطر فهد ستوری با دولت نمی رفتند در این رابطه پیش‌رگان با دو نفر از اربابان (علی خان سعید خان) و چند نفر از متحدین و شورای آبادی جلسه گذاشتند و در این جلسه راجع به تقسیم درختها اداره زمینها صحبت نمودند - پیش‌رگان سازمان اداره زمینها را از وظایف شورا دانستند - زیرا باین ترتیب اتحاد و یکپارگی روستائیان در مقابل اربابان و دولت محکمتر میشدند - امکان مکن بزرگ کردن زمینها بیشتر میشد - این نظریه قبول شورا قرار گرفت - در مورد تقسیم درختها از مالکان خواسته شد که با روستائیان همکار می کنند در این رابطه به اربابها پیشنهاد شد که یا در وقتها را آنها بردارند و یا هر یک بجزان يك خانوار درخت داشته باشند مالکان حاضر بسسه بدیوش هیچیک از ایند و پیشنهاد نداشتند -

همه اعلیٰ "سلیمان کدی" در میدان آبادی جمع شدند و به نتایج جلسه گوش دادند - آنها همگی تصمیم بودند و علیرغم مخالفت اربابها با تیرو از به طرف پیشه حرکت کردند - آنها با اتحاد و يك پارچگی به پیشه رسیدند - انگار به آنچه میدیدند باورند اشتند - با دقت به اطراف نگاه میکردند پیشه ای که تبارا حق نداشتند در آن قدم بگذارند - اکنون زیربای آنها بود - روستائیان در این شادی سرور می خوانند آبدی سرور ای رقیب "طنیک پیروز" می

روستائیان را بلند و بلند تر کرد . لحظه ای فراموش نشدنی بود در میان این شور و شوق زحمتکشان بود که یکی از پیشمرگان سازمان برای آنها صحبت کرد . او گفت که دهقانان تنها با اتحاد ز یکپارچگی توانستند به حق خود برسند و باید این همبستگی را عمیقتر کرد . روستائیان همگی حرف او را تصدیق کردند و به یکدیگر قول دادند متحد و یشتیمان یکدیگر باشند . این زحمتکشان تصمیم گرفتند که کمبختانترین درخت بیشه را بریده و به مسجد آبادی هدیه دهند . با شکوه خاصی مراسم بریدن درخت به پایان رسید . این درخت به نشانه وحدت اهالی "اتحاد" نام گرفت . آری شد در میان شور و شادی مردم بمیدان آبادی بادی برد شد . در این میدان قرار شد از فردای همان روز بریدن درختان بیشه شروع شود .

چند روزی بود که مردم همگی خوشحال و راضی مشغول کار در بیشه بودند و هنوز بخش عمده درختان باقی مانده بود که پیشمرگان حزب دیگرات تشکیلات سقر به دنبال شکایت اربابهای ده ، به قصد جلوگیری از مصادره زمین و قطع درختان وارد ده شدند . آنان حرکت اهالی "سلیمان گدی" را نادرست و خلاف موازین حزب دانستند و به مردم گفتند : "چون حال من خواهی خود مختاری بگیرم به چنین حرکات تفرقه افکنانه نباید دست بزنم . از طرف دیگر ، دولت خودش قول داده است که در دهات اصلاحات ارضی بکند ما باید کاری نکنیم که قانونی نباشد"

حزب من خواست مالکان روزحمتکشان را آشتی دهد باین دلیل آنها را از مبارزه بازم داشتو همچنین می آنها من گهنگه دولت جمهوری اسلامی سرفرصتبه خواست زحمتکشان جواب خواهد داد !!! ؟ روستائیان با اعتراض خود نشان دادند که این نظرات در تضاد با منافع آنها بوده و پیروی از این نظرات آنها را به بند دوباره مالکان و هیئت حاکمه ضد خلقی خواهد کشاند . آنها فریاد زدند که قاطعانه سرای

رسیدن به حقوق خود خواهند ایستاد و تکرار کردند که اگر حزب میخواهد از اربابهای ده پشتیبانی کند باید همه ما را به رگبار ببندد . پیشمرگان حزب - دمکرات در برابر جو انقلابی ده و یکپارچگی روستائیان دیگر نتوانستند در آبادی باشند و بالاخره در میان اعتراض مردم روستای "سلیمان گدی" را ترک کردند در این جریان ماهیت حزب دمکرات برای روستائیان نستم دیده مشخص شد .

از آن روز بعد هر روز تعداد زیادی از کارگران روی درختان کار کرد و موزد گرفتند مردم از حرکت انقلابی خود بی انداز خوشحال بودند . با عشق و امید برای خودشان کار میکردند . نوبت مصادره زمینها رسید و با توافق قبلی مصادره شروع شد . شورا برای هر ارباب به اندازه یک کشاورز مرفه زمین کشاور داشت و بقیه زمین را به مالکیت عموم خوشنشینان و کشاورزان کم زمین در آورد . چند خانوار کشاورز که زمین دبی داشتند با رضایت اسناد زمین هایشان را تحویل شورا داد و اعلام کردند که از آن به بعد خوشنشین خواهند بود . این جریان شور و یگری در بین اهالی بوجود آورد و آنها را به پیگیری حرکت انقلابی خوششوق نمود .

مصادره زمین های مالکان ده عملی میشد که نیزه های سرکوبگر رژیم حاکم بار دیگر جنگ را به خلق کسود تحمیل نمودند روستائیان نستم دیده را نیز درگیر این جنگ کردند . کردستان را زلحاظ اقتصادی نیز محاصره شد . این محاصره باعث کمبود سوخت گردید و روستائیان از جمله اهالی "سلیمان گدی" دیگر برای تراکتور ها و سایر ماشینهای کشاورزی سوخت پیدا نکردند به این علت زمینها بوقوع شخم زده نشد و بذرها انداز لایق در اختیار آنها قرار نگرفت بدین ترتیب رژیم پشتیبان مستضعفین ! راه امرار معاش روستای "سلیمان گدی" را تنگ نمود . در جریان یورش اهالی ده با وجود اینهمه کار و مشقت

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

باهوشیاری در حفظ دستاورد های مبارزاتی خویش
کوشیدند و از مبارزات مردم سقز نیز با کمال دلسوزی
پشتیبانی کردند .

آری ! روستائیان سقز دیده " سلیمان کندی " این
جنتین برای رسیدن به حقوق خود مبارزه کردند .
در حال حاضر شورای ده پیگیرانه در انجام وظایف
خود می کوشد و زحمتکشان " سلیمان کندی " با تمام قدرت
از این شورا پشتیبانی می کنند .

راهبران پیروز



پیروزی پیشمرگان . . .

(ارتش ضد خلق و پاسداران ارتجاع) وحشیانه با
تمام قوا به کشتار و سرکوب خلق کرد پرداختند خلق
کرد و پیشمرگان تهران آن برای حفظ دستاورد های
مبارزاتی خویش یکپارچه بیا خواستند و مقاومت و
مبارزه های حماسه ای آوردند . سقز یانه و . . .
چولگانان نبرد میان انقلاب و ضد انقلاب کردید و کوجه
و خیابان ، دست و گوه خنامه شهر و روستا سحنه
این پیشکار طبقاتی گردید .

هیئت حاکمه ضد خلقی با تمرکز قوای سرکوبگر خود
چند شهر را به اشغال خود در آورد و به خیال
خویش حاکمیت خود را در آن مناطق برقرار نمود
و دم از فرار " ضد انقلابیون " و " خاتمه مسئله
کردستان زد . ولی وقتی مسلم است این نه یکسده
عناصر و گروه های مسلح بلکه خلق کرد است که بر کاس
خود مختاری و آزادی و استقلال ایران می جنگند ،
دیگر بوجی و مسخره بودن ادعاهای رژیم جمهوری
اسلامی امر پوشیده ای نیست . نشانه های باز این
واقعیت ، ادامه مبارزه و مقاومت مردم شهرهای اشغال
شده و ضربات جانانه پیشمرگان جنبش مقاومت بر
پیکر ارتش ضد خلقی و پاسداران ارتجاع در همان
مناطق است که جناب بن صدر دم از " حاکمیت
دولت " در آن مناطق و " پاکسازی آنها می زند .
از جمله این ضربات کاری و پیروزیهای خلق کرد

حمله پیشمرگان سازمان پیشکار به يك روى ارتش در
جاده سقز - بانه در تاریخ ۲۵ / ۳ / ۵۸ است . شرح جریان
باین ترتیب است که پیشمرگان سازمان چهار روز متوال

در اطراف جاده در کمین نشسته بودند . در چهار
مین روز ساعت ۳ بعد از ظهر در نزدیکی روستای
" میرده " يك روى ارتشی را که به قصد کرده خان
حرکت می کرد و حامل ۱۴ سرنشین بود محاصره کرد
و به آن ایست می دهند . سرنشینان رو که داری يك
دستگاه کالیبر ۵۰ بود دست به مقابله می زنند . ولی
در همان ابتدا تعدادی از آنها کشته شد و بقیه
زیرین در نزدیکی سنگر میگیرند و به تیراندازی ادامه
می دهند . نبرد دلاورانه پیشمرگان ، که آنها را
در محاصره داشتند به مدت چهار ساعت ادامه
پیدا می کند . بالاخره پس از اینکه ۹ نفر از دشمن
کشته میشوند و ۵ نفر بقیه تسلیم می شوند که ۳ نفر
از آنها زخمی شده بودند - سرگیری با پیروزی
پیشمرگان خانه می باید . در این جریان مقدار
نسبتا مهمی اسلحه و مهمات از جمله يك قبضه کالیبر
۵۰ و مقداری فشنگ آن ، ۱۲ قبضه فشنگ ۳ و
مقداری زیادی فشنگ آن ، مقدار زیادی نارنجک
يك قبضه مسلسل ام ۳ هسراه با مقداری فشنگ و
وسایل دیگری بدست پیشمرگان افتاد

این پیروزی موجب خوشحالی فراوان مردم روستا
های اطراف و همچنین مردم بوکان گردید و آنها
شدیدا از آن استقبال کردند .

در کسب این پیروزی که در نتیجه
فداکاری و از جانگذشتگی پیشمرگان بدست آمده
پیشمرگه تهران عطا طاطائی با عشق بیگران به
آرمان طبقه کارگر و سایر زحمتکشان و با فکر پیروزی
نهایی آنان مورد اصابت گلوله های دشمن قرار گرفت
و به شهادت رسید . علاوه يك پیشمرگ دیگر مورد
اصابت گلوله کالیبر ۵۰ قرار گرفت و دستش زخمی
گردید .

بعد از این پیروزی مزدوران ضد خلق که ضربه
جانانهای دریافت کرده به خشم آمده بودند ، وحشیانه



خلق کرد شهید ای بسیاری تقدیم انقلاب دمکراتیک - ضد امپریالیستی خلقهای ایران نموده است. شش شهید "سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر" نیز در زمره این شهیدان اند. ما با کرامت داشتیم شهید ای راه استقلال و آزادی ایران برای بزرگداشت یاد ۶ شهید سازمان در کردستان قهرمان، گوشه کوچکی از زندگی و مبارزه آنها را در پیکار کردستان "نور میکس" یادشان گرامی و راهشان باید ارباب!



پیشمرگه شهید عبدالکریم شریانی

رفیق شهید در سال ۱۳۳۴ در شهر بانه متولد شد و دوران دبیرستان را تا کلاس ۱۱ در همین شهر گذراند و سپس در هنرستان مخابرات تهران دیپلم گرفت و به استخدام شرکت مخابرات درآمد. از آنجا که از خانواده مرفهی بود اما در لیون - تحصیل کار می کرد و با نظریه آزادی یک مبارزاتش ابتدا با حزب دمکرات همکاری می کرد اما بعداً منشی جرگی را پذیرفت و در جسرستان قیام یرشکود بهمین ماه همراه مردم قهرمان تهران در تصرف ساواک سلطنت آباد، یادگان عشرت آباد و کلانتری ۶ شرکت جست ۰ در ۲۸ مرداد سال قبل بهنگام یورش وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی ایران جزو اولین کسانی بود که از تهران به کردستان رفت و در سازماندهی تظاهرات مردم مبارز سنندج علیه رژیم شرکت نمود. وی همچنین مدتی در کوههای اطراف بانه در جنگ مقاومت به مبارزه پرداخت. آشنایی بیشتر رفیق با زندگی کارگران و زحمتکشان او را با انحرفات منشی جرگی آشنا ساخت بهمین دلیل در تابستان ۵۸ بسا حوزه سنندج سازمان ارتباط برقرار نمود، صد اکت انقلابی، شایستگی، کارآیی و ۰۰۰ رفیق سبب شد از سطح یک هوادار به کاندید عضو ارتقا یابد.

به روستاهای اطراف محل درگیری هجوم برد و بعد از اذیت و آزار مردم روستاها و تهدید آنها به قتل، عده ای را بدون دلیل دستگیر می کنند. این بیان پستی ورنالت و همچنین ضعف نیروهای ضد خلق و ارتجاعی است که برای فرونشاندن خشم خود و ممانعت از حمایت بی دریغ توده های زحمتکش از پیشمرگان قهرمان، وحشیانه به مردم بیدفاع حمله برد. و به اذیت و آزار آنها و از بین بردن - خانه و کاشانه آنها می برد. از آنجا که این اعمال ضد خلقی ثابت می کند که هیئت حاکمه جمهوری اسلامی و ارتش و پاسداران آن هیچگونه بایگامی در میان خلق کرد ندارند و "حمایت" آنها از "مستضعفین" چیزی جز دروغ و عوامفریبی نیست.

خلق کرد همانگونه که تاکنون نشان داده است تا کسب خود مختاری در چارچوب ایرانی مستقل و دمکراتیک به مبارزه انقلابی خویش ادامه خواهد داد و فرزندان پیشمرگ خود را در دامان پر مهر خویش همچنان حفظ خواهد نمود. زیرا آنها بشارت - دهنده برآورده شدن حقوق حقه و آرمانهای مقدس هستند.

پیروز بساد جنبش مقاومت خلق کرد!



ده " رفت و شد پیدا مورد محبت و علاقه روستائیان قرار گرفت . او که در یورش اول به صف هواداران سازمان پیسکار پیوسته بود در یورش اخیر بعنوان پیشمرگه فعالانه در جنبش مقاومت شرکت جست و بالاخره در یک ماهیوریت شبانه در ۱۶ اردیبهشت در جریان تصادف ماشین سازمان با ماشین سازمان چریکهای فدائیان خلق که مجبور بودند در شب با چراغ خاموش حرکت کنند ، به شهادت رسید .

گرامی بساد پیسادش !



پیسکارگر شهید لیلامرادی

رفیق لیل اهل سنندج و دانش آموز سال آخر دبیرستان بود . او مبارزی فعال و پرشور بود که صادقانه در راه پیروزی خلق کرد و همه خلقهای ایران قدم گذاشت او در جریان شکل گیری " بنکها " در سنندج بعنوان عضو فعال بنک " تازه آباد " در راه بالا بردن آگاهی و تشکل مردم شهر به فعالیت پرداخت و در جریان یورش ضد خلق اخیر به صف هواداران سازمان پیسکار پیوسته او که بعد از اشغال شهر توسط مزدوران ارتش و پاسداران برای ادامه فعالیتهای انقلابی در شهر مانده بود در تظاهراتی که از طرف مردم علیه سرکوبگران ضد خلق برپا شده بود دستگیر گردید . سرهنگ صدری فرمانده مزدور و چیاننگار یادگان سنندج در بازجویی از او به توهین به آرمانها و اعتقادات او پرداخت رفیق که زندگیش را در راه آرمانهایش گذاشته بود در مقابل گستاخ، صدری جلاد جسورانه سیلی محکمی به گوش این جلاد کثیف زد ، روز بعد (واسط خردان) جلادان او را به جوفه اعدام سپردند و خون پاکش را بر سرزمین دلاوریور سنندج جاری ساختند .

پرسکوه بساد خاطرمان !

صدانت انقلابی ، هشیاری و جسارت رفیق تو دما را پشتت جذب می کرد چندی پیش هنگامی که مردم غیور سنندج به حرکت ارتش در دروازه شهر اجتماع کرده بودند ، کاک کریم ضمن سخنرانی برای آنها گفت " ما تا آخرین قطره خونمان خواهیم جنگید و از خلق دلاور کرد دفاع خواهیم کرد " به حق که به گفتار خودش وفادار مانده خاطره کاک کریم همچون دیگر نهرمانان شهید زنده است و در یاد خلق کرد خواهد ماند . یادش را گرامی می داریم و راهش را با عزم استوار ادامه می دهیم .

یادش جاودان باد !



پیشمرگ شهید نجم الدین شیخی

رفیق نجم الدین در سال ۱۳۳۵ در یک خانواده فقیر در روستای " سولان آباد " دیده به جهان گشود و بعد از پایان دوره ابتدائی برای ادامه تحصیلات راهی شهر سقز شد . او به تدریج در برخورد با حقایق و واقعیات جامعه و مطالعه بیشتر به ماهیت رژیم وابسته شاه پی برد و در راه مبارزه قدم گذاشت در جریان مبارزات عظیم خلقهای ایران در سالهای ۵۶ - ۵۷ شخصیت انقلابی رفیق شکوفتشد و فعالانه در مبارزات شرکت جست . بعد از قیام ۲۲ بهمن رفیق بعنوان یکی از اعضای فعال جمعیت طرفداران زحمتکشان سقز به ایفای وظایف انقلابی خود ادامه داد و سیمین بعنوان یکی از عناصر فعال اتحادیه دهقانی منطقه سقز در مبارزات دهقانی منطقه " تپه کو " و " تازه آباد " و با تجمعه نقش به سزائی بعد گرفتار و در جریان مقاومت قهرمانانه مردم سقز در یورش اول شجاعانه جنگید . در ادامه مبارزه اش او شغل معلمی را انتخاب کرد و به روستای " خابو -

کورد زیندوه

کس نه لی کورد مردوه



پیشمرگ شهید سمود ستایش

شهید سمود اهل سنندج بود و چون سایر جوانان انقلابی سنندج به مبارزه در راه برآوردن - خواستهای انقلابی خلق کرد و پیشبرد انقلاب دموکراتیک - ضد امپریالیستی خلقهای ایران روی آورد. او در پیوندن این راه به صفوف هواداران - سازمان پیشکار حوزه سنندج پیوست و در اوایل امسال بعنوان پیشمرگ زندگی خویش را تماماً در راه مبارزه و برآوردن آرمانهای زحمتکشان قرار داد. او در جریان مقاومت تهرمانه ۲۵ سنندج فعال - لانه شوکت جست و با مزدوران جنگید و بالاخره در حمله به ستون ارتش ضد خلقی روز ۱۷ خرداد بین راه کامیاران سنندج بعد از چند ساعت رزم دلورانه با مزدوران به شهادت رسید و نهال جنبش مقاومت خلق کرد و انقلاب ایران را بارورتر ساخت. درود به روان پاکش!



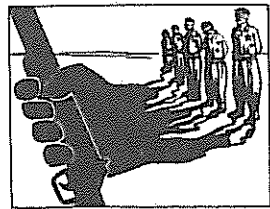
پیشمرگ شهید عطا طاطایی

پیشمرگ شهید عطا طاطایی بتاريخ ۱۲۴۰ در يك خانواده متوسط در شهر مقر بد نیا آمد. در مبارزات پرشکوه ۵۷-۵۶ علیه رژیم مزدور شاه فعالانه شرکت کرد. بعد از قیام تاریخی ۲۲ بهمن به مبارزه خویش ادامه داد و در مقابل یورش ارتش ضد خلقی و یاسد اران ارتجاع از طریق فعالیت‌های افشاگرانه و آگاهگرانه در میان توده‌ها در جنبش مقاومت خلق کرد سهم کردید. او در جریان - همین یورش به صفوف هواداران سازمان پیشکار در راه آزادی طبقه کارگر پیوست و مصمتر از گذشته راه مبارزات خود را ادامه داد. او با عشق به آرمان طبقه کارگر و سایر زحمتکشان در حالیکه در سال آخر دبیرستان بود، مدرسه را رها کرد و به عنوان يك پیشمرگ اسلحه بدست گرفت و با تمام وجود در خدمت آنان قرار گرفت. در جریان یورش اخیر



پیشمرگ شهید حسن (امیر) فقیرو

رفیق حسن پرسنل انقلابی ارتش درجه دار کادر بود. او در برچورد خدمت می‌کرد. در دوران - مبارزه علیه رژیم شاه تحت تاثیر مبارزات مردم قرا ر گرفت و خواهان خدمت به آنها و قراردادن نیروی خود در راه نجات آنها گردید. به همین دلیل بعد از سرنگونی رژیم شاه با خوشحالی تفریح کرد. استقرار رژیم جمهوری اسلامی مقدمه و عامل رسیدن توده‌های زحمتکشان به خواستهایشان خواهد بود اما عملکرد رژیم جدید او را که شدیدا به زحمتکشان عشق می‌ورزید متوجه ساخت که تصورش نادرست بوده است. بعاین جهت پیوند فکری خود را از رژیم برید و در جستجوی راه واقعی خدمت به زحمتکشان با هواداران سازمان پیشکار در برچورد آشنا شد و با آنها تماس برقرار نمود. در این جریان او از تفکر مذهبی نیز برید و مارکسیسم - لنینیسم را بعنوان تنها ایدئولوژی واقعاً انقلابی پذیرفت و در تماس با هواداران سازمان به فعالیت‌های انقلابی مشغول شد. ولی بعد از مدتی فعالیت‌هایش برای فرماندهان مزدور آشکار گردید در این وضع او از ارتش فرار نمود و برای ادامه مبارزه به کردستان آمد و به سازمان پیوست. او در اینجا نیز فعالیت‌هایش به مبارزه انقلابی خود ادامه داد و بالاخره در حمله به ستون ارتشی ضد خلقی روز ۱۷ خرداد بین راه کامیاران - سنندج زخمی گردید و بعداً ناجوانمردانه توسط آنان در همان محله درگیری اعدام گردید. خاطره اش جاودان باد!



رفقای هوادار!

دوستان مبارز!

کمکهای مالی خود را از هر طریق

که می‌توانید بدست ما برسانید.

تفرقه و جدایی در صفوف جنبش مقاومت خلق کرد، -
 تفرقه و جدایی در صفوف جنبش مقاومت آنطور که
 بعضی از نیروها امروز چنین عمل می‌کنند و ملامت
 هدنی که رژیم هواره دنبال کرده یعنی ایجاد تفرقه
 در میان خلق کرد، خدمت می‌کنند. در آخر
 مردم با فرستادن درود به روان پاک شهید عطا
 کورستان را ترک کردند
 خاطرم‌اش گرامی باد!

او آگاهتر و استوارتر از گذشته برای دفاع از دستا-
 ورد های خلق کرد فعالیت در جنبش مقاومت شرکت
 جست و بالاخره در جریان حمله پیشمرگان سازمان
 سازمان در ۲۵ خرداد در جاده سنقر - بانس
 در اطراف روستای "میرده" به یک خودرو ارتشی
 ضد خلقی که به پیروزی پیشمرگان انجامید، دلاوری
 به شهادت رسید. روز بعد مردم بوکان با تاتسر
 فراوان و در حالیکه باران می‌بارید با تگس و
 فراوان جنازه او را از مسجد بازار تا کورستان شهر
 بر روی دوش تشییع کردند و در آنجا به خاک سپردند
 در کورستان یکی از پیشمرگان سازمان بعد از گرا -
 میداشت خاطره او به صحبت پیرامون اوضاع کردستان
 پرداخت و یاد آور شد که خلق کرد تنها با ادب
 مقاومت و مبارزه است که می‌تواند دشمن را بس
 عقب نشینی وادارد و قطع جنگ را به او تحمیل
 کند و نه با دست کشیدن از مبارزه و مقاومت و ایجاب



جاودان باد خاطره شهیدای بخون خفته خلق کرد